



گزارش هفت صبح از بازار آدامس ایران که تحت تاثیر قاچاق، قیمت‌های نجومی و تغییر سلیقه مصرف کننده قرار گرفته است

## آدامس؛ بازیگر کوچک اما بر قدرت بازار خوراکی‌های ایران

واردات غیرقانونی آدامس به خصوص برندهای محبوب، حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد بازار وارداتی را در برمی‌گیرد و علاوه بر تهدید سلامت، موجب کاهش درآمدهای رسمی و اختلال در بازار شده است **صفحه ۲**

## دود و آلاینده‌ها قصه‌ای تلخ از رفاه نابرابر برای مردم مناطق نفت خیز

# اهدای خون

## توسط مردم مجاور

## پتروشیمی‌ها ممنوع

- مردم عسلویه و نخل تقی می‌گویند نفس کشیدن عادی به دلیل آلودگی‌های شیمیایی و گردوغبار به چالشی روزانه بدل شده است
- وزارت نفت مدعی کاهش ۸۵ درصدی مشعل‌سوزی در پارس جنوبی است اما آسمان عسلویه همچنان پر از آلاینده‌های خطرناک باقی‌مانده است

یک فعال محیط زیست مدعی است که براساس برخی از نتایج پژوهش‌های درز پیدا کرده به رسانه‌ها نشان می‌دهد که فلزات سنگین موجود در هوا مانع اهدا خون توسط ساکنان شده و احتمال ناهنجاری‌های مادرزادی هم وجود دارد، هر چند هنوز بررسی جامعی در این مورد صورت نگرفته و داده‌های رسمی منتشر نمی‌شود. در این مورد پزشکان و رسانه‌های محلی بارها هشدار داده‌اند اما وقتی این هشدارها در سطح ملی بازتاب پیدا نمی‌کند، مسئله در حد گزارش‌های پراکنده باقی می‌ماند.

صفحه ۶

## کارمزدی برای سقوط

- افزایش کارمزد معاملات بورس در شرایط رکود به خروج سرمایه‌گذاران و تضعیف نقش بازار سرمایه در تأمین مالی اقتصاد منجر می‌شود
- خروج بیش از دو میلیون کد بورسی فعال، نشانه‌ای از بحران اعتماد عمیق در بازار سرمایه ایران است

صفحه ۲



گفت‌وگو با آیتک سلامت، ستاره تیم ملی والیبالی زنان ایران

## نه استقلالیهستم، نه پرسپولیس!

سعید معروف همین الان هم برگردد ستاره تیم ملی می‌شود

همین صفحه

روزگار سپری‌شده «دیرستان البرز» از مدرسه ۱۰ نفره تادانش‌آموختگان سرشناس

## کالج آمریکایی‌های تهران که اختیار آن از آمریکایی‌ها سلب شد

تاریخچه البرز نشان می‌دهد ترکیبی از مدیریت ایرانی و آموزش بین‌المللی مسیر موفقیت علمی و فرهنگی را هموار کرده است

صفحه ۶

متهم در دادگاه ادعا کرد مشکل بینایی دارد و ندیده ضربه‌ای مرگبار به شوهرش وارد کرده است

## سالاد خونین در شام آخر

صفحه ۷



انیمیشن یوز ایرانی؛ ماجرای خلق جهانی کوچک در دل مشکلات بزرگ

## جهان‌رنگی یوز

صفحه ۵

یادداشت

## طاق‌های زخمی

ترک‌ها و نم‌زدگی‌های گنبد‌های بازار تبریز سال‌هاست هشدار می‌دهند اما هیچ اقدام اساسی برای ترمیم انجام نشده است



محمد عبدالعلی‌پور  
هفت صبح

صبح که پا به بازار تبریز می‌گذاری، نخستین چیزی که به چشم می‌آید، زندگی در جریان است؛ همه‌هم خریداران، بوی ادویه و چرم و صدای چکش مسگران. اینجا شهری زنده است در دل شهر. اما کافی است نگاهت را کمی بالاتر ببری تا ترک‌ها بر طاق‌ها، نم‌زدگی دیوارها و سیم‌های درهم‌پیچیده برق، حقیقت تلخی را آشکار کنند: قلب تاریخی تبریز آرام آرام از تپش می‌افتد.

بازار تبریز، بزرگ‌ترین بازار سرپوشیده جهان، روزگاری شاهراهی بود که فرش و ابریشم و ادویه از آن راهی بازارهای جهانی می‌شد. در سال ۱۳۸۹، ثبت جهانی آن در فهرست یونسکو مهر تأییدی شد بر جایگاهی فزاینده‌ی آن در جهان ایران. اما امروز، این میراث جهانی بیش از آنکه مایه افتخار باشد، آینه‌ای از سوءمدیریت و بی‌توجهی مسئولان است.

مشکلات بازار تبریز پنهان نیستند؛ نم‌زدگی، سیستم الکتریکی، تهویه و گرمایشی سال‌هاست که پیش چشم مسئولان تکرار می‌شوند. اما پرسش اصلی این است: چرا اقدامی ریشه‌ای برای حل این مشکلات انجام نشده است؟ پاسخ را باید در ضعف مدیریتی وزارت میراث فرهنگی جست‌وجو کرد. این وزارتخانه که باید متولی حفاظت از میراث ملی باشد، بیش از آنکه مأموریت اصلی خود را پی بگیرد، گرفتار نمایش‌های رسانه‌ای شده است. هر چند وقت یک‌بار پروژه‌های نمایشی افتتاح می‌شود، روایاتی قیچی می‌شود یا گزارشی از «مرمت موفق» منتشر می‌گردد؛ اما واقعیت این است که زیر پوست بازار، هیچ تغییر جدی رخ نداده است. مشکلات اصلی یعنی ایمنی برق، ساماندهی گرمایش و حفظ حریم بازار، همچنان به حال خود رها شده‌اند.

**آتش زیر خاکستر**

کسیه بازار سال‌هاست هشدار می‌دهند: بخاری‌های نفتی و برقی، فشار مضاعف بر شبکه فرسوده برق وارد می‌کنند و هر لحظه می‌توانند جرقه‌ای مرگبار بیاورند. هر سال هم آتش‌سوزی در گوشه‌ای از بازار رخ می‌دهد. با این حال، وزارت میراث فرهنگی و دیگر نهادهای مسئول، به جای ارائه طرح جامع ایمنی، صرفاً در زمان بحران وارد عمل می‌شوند؛ چند مصالحه خیری، وعده‌های پرطمطراق و نهایتاً سکوتی دوباره تا حادثه بعدی.

این چرخه فرساینده تنها یک معنادار دارد: غلبه اقدامات تبلیغاتی بر مأموریت واقعی. مسئولان به جای پیشگیری، ترجیح می‌دهند پس از وقوع بحران، صحنه‌گردان دوربین‌ها باشند.

**حریم بازار؛ قربانی سودجویی و ضعف نظارت**

طبق استاندارد‌های یونسکو، برای آثار ثبت جهانی حرمی تعریف می‌شود تا اصالت و کارکرد آن حفظ شود. حریم بازار

گفت‌وگو

گپ و گفت با آیتک سلامت، ستاره تیم ملی والیبالی زنان ایران درباره مسیر حرفه‌ای، الگوها، عملکرد تیم ملی و آرزوهای آسیایی و جهانی

## نه استقلالیهستم، نه پرسپولیس!

● **الگوی آیتک سلامت در والیبال کیست؟**  
از دوران کودکی و نوجوانی سعی کردم از چند بازیکن شاخص الگو بگیرم و یک الگوی واحد نداشته باشم. والیبالی بانوان با آقایان متفاوت است.

● **حالا اگر بخواهید به چند اسم اشاره کنید؟**  
شهرام محمودی و امیر غفور پشت خطزن‌های سابق تیم ملی جزو کسانی بودند که با دقت بازی آن‌ها را تماشا می‌کردم تا نکته‌ای یاد بگیرم. هر دو هم از بهترین‌های تاریخ والیبالی ایران هستند.

● **ویلفرد لون کوبایی چطور؟**  
به هر حال الگوهای نزدیک‌تر همیشه بیشتر می‌تواند کمک کند. شکی وجود ندارد این ستاره کوبایی‌الصل تیم ملی لهستان بهترین پشت خطزن حال حاضر دنیاست اما در والیبالی بانوان سبک بازی‌ها متفاوت است.

● **سقف آرزوهای شما کجاست؟**  
آرزوهای انسان سقف ندارد ولی دوست دارم با تیم ملی بانوان بتوانیم مدال آسیایی یا حتی جهانی به دست بیاوریم و تاریخ‌ساز شویم.

● **این آرزو خیلی سخت یا به نوعی محال نیست؟**  
نه! اگر تلاش کنیم و زحمت بکشیم هیچ غیرممکنی وجود ندارد.

● **شما استقلالیهستید یا پرسپولیس؟**  
(باخنده) من نه استقلالیهستم و نه پرسپولیس!

● **البته می‌دانستیم تراکتوری هستید اما گفتیم از زبان خودتان بشنویم؟**  
راستش را بخواهید خیلی فوتبالی هم نیستم منتهای مراتب نتایج بازی‌های تیم شهرم تراکتور تبریز را همیشه پیگیری می‌کنم.

● **بسیار خوب، ضمن تشکر از شما؛ به عنوان حسن ختام این گفت‌وگو اگر حرف ناگفته‌ای دارید در خدمتیم؟**  
ممنونم از شما و امیدوارم تیم ملی ایران به جمع ۴ تیم یابانی مسابقات قهرمانی جهان و حتی فینال برسد.

قبل از حضور روی تو پیاتزا در ایران، صحبت از سرمربیگری سعید معروف بود. شما کدام گزینه را بهتر می‌دانید؟  
تیم والیبالی ما خیلی جوان است و به همین خاطر هم روی تو پیاتزا انتخاب شد که باید به این انتخاب احترام گذاشت.

● **یعنی شما معتقدید روی تو پیاتزا انسبت به سعید معروف گزینه بهتری است؟**  
من چنین حرفی نزدم! روی تو پیاتزا تجربیات زیادی در مربیگری دارد در حالی که سعید معروف قرار بود اولین تجربه خود را با تیم ملی ایران پشت سر بگذارد. در واقع تجربه پیاتزا بیشتر از سعید معروف است. من معتقدم همین الان هم اگر سعید معروف برگردد و برای تیم ملی بازی کند، باز ستاره تیم ملی ایران خواهد شد!

● **جداً اما کم نیستند کسانی که معتقدند عرشیا به‌نژاد هم در حال حاضر در تیم ملی خوب کار می‌کند؟**  
بله اما منظور من ستاره است. سعید معروف پاسور، کاپیتان و ستاره تیم ملی ایران بود. هوش او زبانزد خاص و عام است و تکرار دشنی نیست.

● **پیش‌بینی شما از بازی ایران و جمهوری چک در مرحله یک چهارم نهایی چیست؟**  
ببینید، بچه‌های تیم ملی در بازی با تیم فیلیپین متوجه شدند نباید تیمی را الکی با دست کم گرفت. باید از اول محکم باشند و بازی را شل نگیرند. در حال حاضر دیگر هیچ تیمی ضعیف‌تر از پیش‌باخته نیست و باید مراقب و شش‌دانگ بازی کرد. من فکر می‌کنم از سد جمهوری چک بگذریم و به نیمه نهایی برسیم.

● **شما والیبالی را از کجا و چگونه شروع کردید؟**

من از ۱۴ سالگی والیبالی را شروع کردم. در ۱۵ سالگی به تیم ملی نوجوانان و سپس جوانان رسیدم. نوجوان که بودم در رده سنی جوانان بازی می‌کردم و کاپیتان تیم ملی نوجوانان شدم. در رده سنی امید در همه سفرها و اعزام‌ها حضور داشتم و پله پله بالا آمدم و دیده شدم. منظورم این است که همه رده‌های پایه‌ای تیم ملی را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشتم و به تیم بزرگسالان رسیدم.

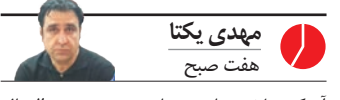
تیم ساده‌تری می‌پنداشتند. هیچ کس فکرش را نمی‌کرد این دیدار به ست پنجم بکشد اما مهم این بود که در شرایط حساس، تیم مدیریت شد و یک شگفتی بزرگ رخ نداد.

● **ستاره تیم ایران در این دوره از مسابقات تا به امروز کدام بازیکن بوده است؟**  
ستاره خاصی الان به ذهنم نمی‌رسد؛ به نظر من هر کسی که به عنوان تعویضی وارد زمین می‌شد عالی کار می‌کرد و این مسئله نقطه قوت تیم ما در این دوره بوده است.

● **حضور روی تو پیاتزا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**  
از زمانی که آقای پیاتزا هدایت تیم ملی والیبالی ایران را برعهده گرفته، نظم و شکل خاصی به تیم داده است. خیلی روی آنالیز تیم ایران و حرفان کار می‌کند و تا به حال نشان داده تیم ایران چقدر برای او مهم است. بازیکنان تیم ملی هم به نظر می‌رسد از کار با این مربی شناخته شده ایتالیایی لذت می‌برند.

● **پست تخصصی شما پشت خطزن است. عملکرد علی حاجی‌پور و بردیا سعادت را چگونه دیدید؟ جای خالی امین اسماعیل‌نژاد احساس نشد؟**  
به نظر من اگر امین اسماعیل‌نژاد مصدوم نمی‌شد و در این مسابقات حاضر بود، تیم ایران راحت‌تر امتیاز می‌گرفت و خیلی به تیم کمک می‌کرد. بسا این حال علی حاجی‌پور و بردیا سعادت هم نهایت تلاش خود را به خرج دادند که جای اسماعیل‌نژاد را پر کنند.

● **تصورش را می‌کردید در این دوره از رقابت‌های قهرمانی جهان مقابل تیم گنم‌فیلیپین اینقدر به مشکل بخوریم و بازی به ست پنجم بکشد؟**  
این بازی را با خانواده تماشا کردیم و به نظر می‌رسید بازیکنان تیم ملی ایران در ذهن خود فیلیپین را دست کم گرفته یا



مهدی یکتا  
هفت صبح

آیتک سلامت نامی شناخته شده در والیبالی بانوان ایران است. یک ستاره مطرح که از ۱۴ سالگی وارد این رشته شده و بارها به عنوان ارزشمندترین و امتیازآورترین بازیکن در مسابقات لیگ معرفی شده است. ملی‌پوش تبریزی تیم ملی والیبالی بانوان در همه رده‌های ملی (از نوجوانان تا بزرگسالان) به عنوان پشت خطزن بازی کرده است. او در ۲۵ سالگی رؤیای بزرگی در سر می‌پروراند و آرزو دارد به مدال آسیایی و حتی جهانی برسد. به بهانه بازی تیم ملی والیبالی بزرگسالان ایران و صربستان و صعود شاگردان پیاتزا به مرحله یک چهارم نهایی مسابقات قهرمانی جهان، با آیتک سلامت تماس گرفتیم. به‌نظر خودمان که گفت‌ووی خواندنی شد، تا نظر شما چه باشد؟ بدون هیچ مقدمه‌ای می‌خواهیم نظراتان را در خصوص دیدار تیم والیبالی مردان ایران مقابل صربستان بدانیم. این مسابقه‌نفسگیر را که تماشا کردید؟

ست‌های اول تا چهارم بازی سخت و نفسگیری بود که پایاپای هم پیش‌رفت و هر دو تیم نتوانستند دو ست را ببرند اما در ست پنجم شاهد نمایش یکطرفه تیم ایران بودیم و خدا را شکر برنده شدیم. خوشحالم که تیم ملی ایران توانست به جمع ۸ تیم برتر دنیا برسد.

● **پست تخصصی شما پشت خطزن است. عملکرد علی حاجی‌پور و بردیا سعادت را چگونه دیدید؟ جای خالی امین اسماعیل‌نژاد احساس نشد؟**  
به نظر من اگر امین اسماعیل‌نژاد مصدوم نمی‌شد و در این مسابقات حاضر بود، تیم ایران راحت‌تر امتیاز می‌گرفت و خیلی به تیم کمک می‌کرد. بسا این حال علی حاجی‌پور و بردیا سعادت هم نهایت تلاش خود را به خرج دادند که جای اسماعیل‌نژاد را پر کنند.

● **تصورش را می‌کردید در این دوره از رقابت‌های قهرمانی جهان مقابل تیم گنم‌فیلیپین اینقدر به مشکل بخوریم و بازی به ست پنجم بکشد؟**  
این بازی را با خانواده تماشا کردیم و به نظر می‌رسید بازیکنان تیم ملی ایران در ذهن خود فیلیپین را دست کم گرفته یا





## اقتصاد

| روزنامه صبح ایران | سال پانزدهم | شماره ۲۱۵۶ | پنجشنبه ۳ مهر ۱۴۰۴ |

### تغییرات بازار

فروشگاه‌های زنجیره‌ای بیش از ۵۰ درصد فروش آدامس در تهران را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین فروش آنلاین بارشد ۳۵ درصدی به یکی از کانال‌های اصلی توزیع تبدیل شده است. این سایت‌ها حدود ۸ هزار تنوع کالایی آدامس به لحاظ مارک، طعم، بسته‌بندی را به مصرف‌کنندگان ارائه می‌دهند. مشتریان به دنبال آدامس‌های با کیفیت، بسته‌بندی شیک و قیمت مناسب هستند و تمایل زیادی به خرید بسته‌های کوچک و نمونه‌های وارداتی نشان می‌دهند.

### مصرف‌کنندگان

به آدامس‌های بدون قند و طعم‌های میوه‌ای علاقه‌نشان داده و تقاضای بازار را هدایت می‌کنند

### چشم‌انداز تحول بازار

با توجه به افزایش آگاهی مصرف‌کنندگان نسبت به سلامت دهان و دندان، بازار آدامس بدون قند و با خواص درمانی، پستر مناسبی برای توسعه دارد. شرکت‌های داخلی در حال توسعه خط تولید آدامس‌های ارگانیک و طبیعی هستند و انتظار می‌رود تا ۳ سال آینده، سهم این محصولات در بازار به ۱۵ درصد برسد. همچنین، سرما به‌گذاری در بسته‌بندی‌های جدید، مانند بسته‌های زیست‌تخریب‌پذیر و بسته‌های هوشمند، تحول بزرگی در بازار ایجاد می‌کند.

گزارش هفت‌صبح از بازار آدامس ایران که تحت تاثیر قاچاق قیمت‌های نجومی و تغییر سلیقه مصرف‌کننده قرار گرفته است

# آدامس؛ بازیگر کوچک اما ابر قدرت بازار خوراکی‌های ایران

واردات غیرقانونی آدامس به‌خصوص برندهای محبوب، حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد بازار وارداتی را در برمی‌گیرد و علاوه بر تهدید سلامت، موجب کاهش درآمدهای رسمی و اختلال در بازار شده است



محمد حاجی مومنی

هفت صبح

بر اساس داده‌های به‌دست‌آمده از انجمن صنایع غذایی و گزارش‌های میدانی، سالانه بیش از ۲۵۰۰ تن آدامس در ایران مصرف می‌شود که با توجه به تحولات قیمتی، ارزش ریالی این بازار حدود ۲ تا ۲٫۵ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. تقسیم‌بندی بازار نشان می‌دهد حدود ۷۰ درصد سهم بازار در دست تولیدکنندگان داخلی است و ۳۰ درصد باقی‌مانده سهم آدامس‌های وارداتی، به‌خصوص از برندهای تردنت، فایو و منتوس است. بسته‌های آدامس داخلی معمولاً بین ۳۰ تا ۸۰ هزار تومان به‌ازای هر بسته ۱۰ عددی فروخته می‌شوند،

در حالی که نمونه‌های خارجی برای بسته‌های مشابه بین ۶۰ تا ۲۵۰ هزار تومان قیمت‌گذاری شده‌اند. اخیراً قیمت‌های بالاتر و گاهی ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومانی در در موارد خاص بالای یک میلیون تومانی هم برای یک بسته آدامس خارجی، در گوشه و کنار بازار مشاهده می‌شود.

### چهار قطب اصلی تولید داخلی

چهار شرکت ایرانی فعال در حوزه غذا و شوینده‌ها، قطب اصلی تولید آدامس داخلی به‌شمار می‌روند. هر کدام با سهمی در حدود ۱۵ تا ۳۵ درصد از بازار، رقابتی تنگاتنگ برای جلب مصرف‌کننده دارند. جالب است بدانید یکی از این شرکت‌ها، سال گذشته بیش از ۲۰۰۰ تن آدامس تولید کرده است که بخش قابل

توجهی از آن به بازار تهران ارسال شده است. محصولات داخلی، علاوه بر طعم‌های کلاسیک نعنای و اکالیپتوس، در سال‌های اخیر به طعم‌های میوه‌ای و بدون قند مجهز شده‌اند که واکنش مثبتی در بازار داشته است. یکی از نکات قابل توجه، بسته‌بندی‌های سلفونی به‌جای جعبه‌های مقوایی مرسوم است که باعث کاهش هزینه‌ها و افزایش عمر مفید محصول شده است.

### قیمت‌های نجومی آدامس‌های خارجی

برند تردنت در بازار ایران حرف اول را می‌زند. واردات رسمی این برند که در آغاز ماهیتی انگلیسی‌داشت ولی کم‌کم سهامدار اصلی آن آمریکایی شد، توسط یک شرکت لوازم خانگی مشهور انجام می‌شود. قیمت آدامس تردنت

### فرصتی طلایی برای صادرکنندگان

بازار آدامس در کشورهای همسایه ایران مثل عراق، افغانستان و ترکیه به سرعت در حال رشد است و تقاضا برای محصولات با کیفیت و نوآورانه روز به روز افزایش می‌یابد. در عراق، به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین بازارهای منطقه، سالانه بیش از دو هزار تن آدامس مصرف می‌شود که بخش عمده‌ای از آن از طریق واردات تامین می‌شود. نکته هیجان‌انگیز اینجاست که تولیدکنندگان ایرانی با توجه به قیمت رقابتی، کیفیت مطلوب و نزدیکی جغرافیایی، جایگاه مناسبی در این بازارها پیدا کرده‌اند. شرکت‌های ایرانی، به ویژه در عراق و افغانستان، توانسته‌اند با صادرات حدود ۱۵ درصد از تولید خود، سهم قابل توجهی از بازار منطقه را به دست آورند. از سوی دیگر، کشورهای همسایه به دنبال محصولاتی با ویژگی‌های خاص مانند آدامس‌های بدون قند، طعم‌های میوه‌ای و بسته‌بندی‌های مقاوم در برابر گرما هستند که تولیدکنندگان ایرانی با توسعه این نوع محصولات، فرصت‌های بزرگی برای گسترش صادرات دارند. انتظار می‌رود در سه سال آینده، بازار آدامس در این مناطق حداقل ۲۰ درصد رشد داشته باشد که می‌تواند به افزایش درآمدهای ارزی برای ایران منجر شود.



میوه‌های گرمسیری ۱۴ عددی در تهران بین ۱۰ تا ۱۱۰ هزار تومان نوسان دارد. این در حالی است که نمونه‌های وارداتی قاچاق، با قیمت‌های حدود ۶۰ هزار تومان در بازار دیده می‌شوند اما فاقد مجوزهای بهداشتی رسمی هستند و گفته می‌شود در کارگاه‌های غیررسمی پاکستانی تولید می‌شوند. در بخش آدامس‌های وارداتی، بسته‌های کوچک ۵ تا ۸ عددی با قیمت دانه‌ای بین ۱۰ هزار تومان فروخته می‌شوند. این آدامس‌ها اغلب در فروشگاه‌های خاص و آنلاین محبوبیت دارند. فروش ویژه برخی آدامس‌های خاص تردنت به صورت تک‌دانه‌ای در زعفرانیه و الهیه صورت می‌گیرد که قیمت هر دانه آن حتی به ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان هم می‌رسد، رقمی قابل توجه برای یک آدامس!

### واردات قانونی و قاچاق؛ دوروی یک سکه

طبق گفته یکی از مسئولان گمرک، سالانه حدود ۲۰۰ تن آدامس به صورت قانونی وارد کشور می‌شود که بیش از ۹۰ درصد آن توسط شرکت‌های بازرگانی بزرگ وارد می‌شود و بخش کوچتری نیز توسط تجار محلی استان‌های مرزی وارد می‌شود. با این حال، قاچاق آدامس به‌خصوص برندهای پرطرفدار، حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد بازار وارداتی را تشکیل می‌دهد که باعث کاهش درآمد واردکنندگان رسمی و چالش‌های بهداشتی می‌شود. یکی از نکات فنی بازار آدامس، واردات تحت پوشش تعرفه ۱۶ درصدی گمرکی است که در مقایسه با سایر خوراکی‌ها نسبتاً پایین محسوب می‌شود و به همین دلیل واردکنندگان با وجود چالش‌ها، هنوز به واردات قانونی تمایل دارند.

### سلیقه‌ها و طعم‌های جدید

بر اساس نظرسنجی از ۵۰۰ مصرف‌کننده در تهران، ۶۸ درصد ترجیح می‌دهند آدامس بدون قند مصرف کنند و ۵۲ درصد نیز به دنبال آدامس‌های با طعم‌های خاص میوه‌ای و ترش هستند. آدامس‌های نعنایی و اکالیپتوسی هنوز محبوب‌ترین طعم‌ها هستند اما طعم‌هایی مانند موزی، توت‌فرنگی، هندوانه، لیمو ترش و تمشک نیز در حال رشد هستند. یکی از روندهای جالب توجه، افزایش فروش آدامس‌های با خاصیت ضد التهاب و ضدباکتری است که از سال گذشته با استقبال خوبی مواجه شده است.

پیدا کرده است. این جابه‌جایی تقاضا، در غیاب سیاست‌های تنظیم‌گرانه، موجب شده که قیمت برنج هندی نیز از مسیر تعادل خارج شود. در نتیجه، خانوارهای متوسط و کم‌درآمد در تأمین نیاز غذایی خود با مشکل مواجه شده‌اند و بازار برنج به‌طور کلی در وضعیت ناپایدار و غیرقابل پیش‌بینی قرار گرفته است. افزایش قیمت برنج ایرانی، به دلیل احتکار، ضعف نظارت و رفتار سوداگران، اکنون به بازار وارداتی نیز سرایت کرده و قیمت برنج هندی را تا دو برابر نرخ مصوب بالا برده است. این وضعیت، فشار مضاعفی بر معیشت خانوارها وارد کرده و نشان‌دهنده ناکارآمدی سیاست‌های تنظیم بازار در کنترل زنجیره تأمین و توزیع است. اگر نهادهای مسئول به‌سرعت وارد عمل نشوند، بازار برنج چه داخلی و چه وارداتی می‌تواند به یکی از کانون‌های نارضایتی عمومی و بحران غذایی تبدیل شود.

در ماه‌های اخیر، به بازار داخلی محدود نمانده و به‌طور مستقیم بر قیمت برنج وارداتی نیز اثر گذاشته است. در شرایطی که انتظار می‌رفت برنج هندی به‌عنوان جایگزینی ارزان‌تر برای مصرف‌کنندگان عمل کند، حالا این محصول نیز با جهش قیمتی مواجه شده و عملاً از دسترس بسیاری از خانوارها خارج شده است. بر اساس بررسی‌های میدانی، برنج هندی که طبق ضوابط وارداتی و نرخ مصوب باید با قیمت حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار تومان برای هر کیسه ۱۰ کیلویی عرضه شود، اکنون در بسیاری از فروشگاه‌های سطح شهر با قیمتهایی نزدیک به ۱۲۰ هزار تومان نیز فروخته می‌شود یعنی تقریباً دو برابر نرخ اعلامی. یکی از عوامل این افزایش، فشار تقاضای دوران جنگ در پی گرانی برنج ایرانی بود که به دلیل نظارت کافی بر زنجیره توزیع و سودجویی برخی واردکنندگان و خرده‌فروشان نیز تشدید شده است.

در واقع، با کاهش عرضه برنج ایرانی و امتناع کشاورزان از فروش عمده، بخشی از تقاضا به سمت برنج وارداتی سوق



### تأثیر گرانی برنج ایرانی بر بازار وارداتی

افزایش شدید قیمت برنج ایرانی

### شکست پیش‌بینی‌ها در فصل برداشت

انتظار عمومی این بود که با آغاز فصل برداشت در مرداد و شهریور، قیمت‌ها کاهش یابد و بازار به تعادل برسد. اما برخلاف این پیش‌بینی‌ها، قیمت برنج کاهشی بسیار جزئی داشته و همچنان در سطوح بالایی باقی مانده است. برنج هاشمی با بسته‌بندی پارچه‌ای، با قیمت ۲۸۰ تا ۳۶۰ هزار تومان در بازار عرضه می‌شود. حتی برنج وارداتی هندی نیز به مرز ۱۱۰ هزار

بازار برنج همچنان قفل، سرفره‌ها کوچک‌تر و قیمت‌ها نجومی‌تر می‌شوند

# کابوس پلو

افزایش قیمت برنج داخلی و وارداتی، فشار سنگینی بر معیشت خانوارها گذاشته و امنیت غذایی جامعه را به خطر انداخته است

سیاست‌های ناکارآمد، ضعف نظارت و رها سازی بازار موجب شد بحران برنج از سطح داخلی به بازار وارداتی نیز سرایت کند

گروه اقتصادی | در نیمه نخست سال ۱۴۰۴، بازار برنج ایران یکی از پرتنش‌ترین دوره‌های خود را تجربه کرد. همزمان با جنگ ۱۲ روزه در منطقه، برخی شرکت‌های بزرگ با توقف عرضه و برخی افراد سودجو با خریدهای کلان، عملاً بازار را به سمت التهاب هدایت کردند. نتیجه این رفتارها، جهش ناگهانی قیمت‌ها تا سقف ۱۰۰ درصد بود؛ به‌طوری‌که قیمت هر کیلو برنج ایرانی در برخی مقاطع به نزدیکی ۴۰۰ هزار تومان رسید. این افزایش، قدرت خرید خانوارها را تحت فشار قرار داد و موجب شد کشاورزان نیز با احتیاط بیشتری نسبت به فروش محصول خود اقدام کنند.

### شکست پیش‌بینی‌ها در فصل برداشت

انتظار عمومی این بود که با آغاز فصل برداشت در مرداد و شهریور، قیمت‌ها کاهش یابد و بازار به تعادل برسد. اما برخلاف این پیش‌بینی‌ها، قیمت برنج کاهشی بسیار جزئی داشته و همچنان در سطوح بالایی باقی مانده است. برنج هاشمی با بسته‌بندی پارچه‌ای، با قیمت ۲۸۰ تا ۳۶۰ هزار تومان در بازار عرضه می‌شود. حتی برنج وارداتی هندی نیز به مرز ۱۱۰ هزار

### احتکار کشاورزان

واکنشی به تجربه زیان گذشته

علی طاهری، رئیس اتحادیه برنج‌فروش‌های بابل، در گفت‌وویی با مهر اعلام کرده که کشاورزان تمایلی به فروش محصول خود ندارند. در مقطع برداشت، قیمت در

### گزارش

بررسی تبعات پیشنهاد سازمان بورس برای افزایش کارمزد

## کارمزدی برای سقوط

افزایش کارمزد معاملات بورس در شرایط رکود به خروج سرمایه‌گذاران و تضعیف نقش بازار سرمایه در تأمین مالی اقتصاد منجر می‌شود

**گروه اقتصادی |** افزایش کارمزد معاملات در شرایط رکود، به خروج بیشتر سرمایه‌گذاران دامن می‌زند و چرخه تأمین مالی اقتصاد مولد را نیز مختل می‌کند. اگر بازار سرمایه نتواند نقش خود را در تجهیز منابع ایفا کند، اهداف کلان اقتصادی کشور از جمله رشد ۸ درصدی و اجرای پروژه‌های زیرساختی با مانع جدی مواجه خواهد شد. تصمیم‌گیران باید به‌جای فشار بر سرمایه‌گذاران، به اصلاح ساختار، کاهش هزینه‌های معاملاتی و بازگرداندن اعتماد عمومی تمرکز کنند، در غیر این صورت، بورس از مسیر توسعه اقتصادی خارج خواهد شد.

در ماه‌های اخیر، بازار سرمایه ایران با افت شدید شاخص‌ها، کاهش نقدشوندگی و خروج گسترده سرمایه‌گذاران خرد مواجه شده است. بسیاری از سهامداران که در سال‌های گذشته با زیان‌های سنگین روبه‌رو شده‌اند، برای جبران بخشی از ضرر خود، سرمایه‌هایشان را از بورس خارج کرده و به بازارهای موزای، به‌ویژه بازار طلا، منتقل کرده‌اند. این جابه‌جایی سرمایه، منجر به کاهش چشمگیر تعداد کدهای فعال بورسی شده و درآمد کارگزاری‌ها و شرکت بورس را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

در چنین شرایطی، سازمان بورس به‌جای اصلاح ساختار یا ارائه مشوق‌های جذب سرمایه، تحت فشار لابی کارگزاران بورسی، پیشنهاد افزایش کارمزد معاملات صندوق‌های سهامی و پرتفوی را مطرح کرده است. این تصمیم، در حالی اتخاذ شده که ارزش معاملات روزانه به زیر ۱۰ همت رسیده و بازار سهام در رکودی عمیق فرو رفته است. کارشناسان هشدار می‌دهند که افزایش هزینه‌های معاملاتی کمکی به بهبود درآمدهای بازار سرمایه نمی‌کند و خروج بیشتر سرمایه‌گذاران و تعمیق بی‌اعتمادی را در پی خواهد داشت.

واقعیت این است که در بازارهای جهانی، رقابت بر سر کاهش کارمزد است، نه افزایش آن. جذابیت بازار با ابزارهای متنوع، امکان معاملات دوطرفه و کاهش اختلالات دولتی ایجاد می‌شود، نه با فشار بیشتر بر سرمایه‌گذاران. همچنین انحصار شرکت‌های خدمات‌رسانی و نرم‌افزاری در بازار سهام یکی از موانع اصلی رشد این بازار دانسته است. به‌طور قطع این رویکرد سازمان بورس نیز در راستای همین انحصار است.

از طرف دیگر در شرایطی که دولت رشد اقتصادی ۸ درصدی را هدف‌گذاری کرده و به ۸۰۰ همت منابع مالی نیاز دارد، رونق بازار سرمایه و افزایش جذابیت آن برای سرمایه‌گذاران، پیش‌شرط تحقق این هدف است. اما تصمیماتی مانند افزایش کارمزد، در تضاد کامل با این سیاست‌ها قرار دارد و نقش بازار سهام در تأمین مالی پروژه‌های کلان را تضعیف می‌کند.

در مقطع کنونی بازار سرمایه با افت شدید ارزش معاملات و کاهش اعتماد عمومی مواجه است، افزایش کارمزد معاملات راه‌حل مناسبی برای جبران کاهش درآمد نهادهای بازار نیست و حتی می‌تواند به تشدید رکود در بورس منجر شود. تجربه‌های گذشته نشان داده‌اند که هرگونه افزایش هزینه برای سرمایه‌گذاران خرد، مستقیماً به کاهش مشارکت، افت نقدشوندگی و خروج بیشتر سرمایه از بازار منتهی می‌شود.

در صورت اجرای این تصمیم، ارزش معاملات روزانه که هم‌اکنون در محدوده زیر ۱۰ همت تثبیت شده، احتمالاً با افت بیشتری مواجه خواهد شد. کاهش حجم معاملات، به معنای کاهش گردش مالی در بازار سرمایه است. بازاری که قرار بود نقش تأمین مالی پروژه‌های تولیدی و صنعتی را ایفا کند. با افت معاملات، منابع مالی لازم برای عرضه‌های اولیه و شرکت‌های پروژه تأمین نمی‌شود و از سوی دیگر، بنگاه‌های اقتصادی نیز در جذب سرمایه از مسیر بورس ناکام خواهند ماند.

این روند، در نهایت به اقتصاد مولد کشور آسیب می‌زند. بنگاه‌هایی که برای توسعه، نوسازی تجهیزات یا اجرای طرح‌های جدید نیازمند تأمین مالی هستند، با درهای بسته بازار سرمایه مواجه خواهند شد. در غیاب منابع بورسی، این واحدها یا به سمت تأمین مالی پرهزینه بانکی سوق داده می‌شوند، یا پروژه‌های خود را متوقف می‌کنند که این یعنی کاهش تولید، اشتغال و تضعیف رشد اقتصادی.

### سقوط مشارکت در بورس و پیامدهای اجتماعی آن

روند نزولی بازار سهام که از نیمه دوم سال ۱۳۹۹ آغاز شد، یک افت شاخص صرف نبود؛ بلکه آغاز یک زنجیره فرسایشی بود که میلیون‌ها سهامدار را با زیان‌های سنگین، ناامیدی و خروج تدریجی از بازار سرمایه مواجه کرد. این خروج، خود را در کاهش نقدینگی و افت ارزش معاملات روزانه نشان داد و در نهایت در افت چشمگیر تعداد کدهای بورسی فعال نیز به‌وضوح قابل مشاهده است. نشانه‌ای از بی‌اعتمادی عمیق و گسترده‌ای که اکنون گریبان‌گیر بازار سرمایه شده است.

بر اساس داده‌های رسمی شرکت سرمایه‌گذاری مرکزی، تا سال ۱۴۰۴ حدود ۷ میلیون و ۹۵۳ هزار کد بورسی صادر شده، اما تنها ۵ میلیون و ۸۷۰ هزار کد فعال باقی مانده‌اند. این یعنی بیش از ۲ میلیون نفر، که زمانی با امید به سودآوری وارد بورس شدند، حالا در سکوت و بی‌اعتمادی، سرمایه‌گذاری خود را رها کرده‌اند. این آمار، صرفاً یک شاخص مالی نیست؛ بلکه بازتابی از یک بحران اعتماد است که تبعات آن فراز از اقتصاد دارد.

بسیاری از این سهامداران، به‌ویژه در سال ۱۳۹۹، با تبلیغات گسترده دولتی و وعده‌های حمایت وارد بازار شدند. اما آنچه در عمل رخ داد، زیان‌های سنگین، نبود سازوکار جبران خسارت و بی‌توجهی به سرمایه‌گذاران خرد بود. نتیجه این بی‌توجهی، خروج سرمایه از بورس، کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری، افت توان مالی خانوارها و شکل‌گیری نارضایتی‌هایی است که به‌راحتی به بحران اجتماعی و معیشتی تبدیل می‌شود.

بازار سرمایه، اگرچه در ظاهر یک نهاد مالی است، اما در عمق خود با زندگی روزمره میلیون‌ها نفر گره خورده است. کاهش بیش از دو میلیون کد فعال، زنگ خطری جدی برای سیاست‌گذاران اقتصادی است. اگر این روند ادامه یابد و اصلاحات ساختاری، حمایت از سرمایه‌گذاران خرد و بازسازی اعتماد عمومی در دستور کار قرار نگیرد، بازار سهام از مسیر تأمین مالی اقتصاد خارج می‌شود و به بستری برای نارضایتی اجتماعی، بی‌ثباتی روانی و بحران‌های معیشتی تبدیل خواهد شد.

در چنین شرایطی، هر تصمیمی از جمله افزایش کارمزد معاملات که هزینه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش دهد، به‌بهبود وضعیت بازار کمک نمی‌کند، بلکه خروج سرمایه را تسریع کرده و رکود را عمیق‌تر می‌سازد. این رکود، در نهایت به اقتصاد مولد کشور آسیب می‌زند؛ چرا که بنگاه‌های اقتصادی برای توسعه و اجرای پروژه‌های جدید، نیازمند تأمین مالی از مسیر بازار سرمایه هستند. اگر این مسیر مسدود شود، تولید، اشتغال و رشد اقتصادی نیز در معرض تهدید قرار خواهند گرفت.

در جمع‌بندی می‌توان ادعا کرد که افزایش کارمزد معاملات در شرایط رکود، خروج سرمایه و بی‌اعتمادی عمومی، راه‌حل مناسبی برای جبران کاهش درآمد کارگزاری‌ها نیست و حتی به خروج بیشتر سرمایه‌گذاران از بورس دامن می‌زند. اگر سازمان بورس و نهادهای مرتبط به‌جای فشار بر سرمایه‌گذاران خرد، به اصلاح ساختار، شکست انحصار و توسعه ابزارهای معاملاتی روی آورند، می‌توان امید داشت که بازار سهام بار دیگر به جایگاه واقعی خود در تأمین مالی اقتصاد بازگردد. در غیر این صورت، این بازار بیش از پیش در رقابت با طلا، رمزارز و مسکن عقب خواهد ماند.

**درباره مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب که به مرز زمان‌بندی‌های ساعتی رسیده و هر تصمیم می‌تواند آینده پرونده را تغییر دهد**

# حساس‌ترین پیچ تاریخ دیپلماسی

**ایران بر توقف فشارهای سیاسی و پایبندی به توافق‌های پادمانی تأکید دارد اما غرب مطالبات حداکثری خود را مطرح می‌کند**

**حسین فاطمی** | تحولات اخیر در پرونده هسته‌ای ایران وارد مرحله‌ای حساس و پر شتاب شده است؛ مرحله‌ای که در آن ساعت‌ها و حتی دقیق نیز در تعیین مسیر آینده نقش‌آفرین شده‌اند. دیدار عباس عراقچی با وزرای خارجه سه کشور اروپایی و کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، نه تنها راه را برای تفاهم هموار نکرد بلکه نشان داد شکاف میان دو طرف عمیق‌تر از گذشته است. هر چند شاهد تضاد روایت‌های طرفین از این نشست بودیم، اما اروپایی‌ها با لحنی قاطع و کم‌سابقه از تهران خواسته‌اند ظرف چند روز و حتی چند ساعت، دسترسی کامل به سایت‌های هسته‌ای و ازسرگیری مذاکرات مستقیم با آمریکا را بپذیرد، در حالی که ایران بر لزوم توقف فشارهای سیاسی و بازگشت به مسیر توافق‌های پادمانی تأکید دارد.

در این میان، رافائل گروسی موضعی دوپهلو اتخاذ کرده است؛ از یک‌سو بر لزوم تداوم همکاری‌های فنی با ایران و فرصت محدود برای دستیابی به توافق سخنی می‌گوید و از سوی دیگر، با تأکید بر توانایی ایران برای دستیابی به غنی‌سازی ۹۰ درصد در چند هفته، عملاً سیگنال‌های سیاسی به طرف‌های غربی می‌دهد. فضای دیپلماسی‌اکنون به نقطه‌ای رسیده که هر اظهارنظر یا اقدام می‌تواند معادلات را دگرگون کند و نگرانی اصلی آن است که در سایه فشارهای اسرائیل و زیاده‌خواهی غرب، بحران از مرزهای قابل کنترل عبور کند.

**مذاکراتی در تنگنای زمان و بی‌اعتمادی**

تحولات اخیر پرونده هسته‌ای ایران به نقطه‌ای رسیده است که شاید بتوان آن را جدی‌ترین مقطع از زمان خروج آمریکا از برجام تاکنون دانست. دیدار عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، با وزرای خارجه سه کشور اروپایی و کایا کالاس، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، در حاشیه نشست مجمع عمومی سازمان ملل، فرصتی برای احیای گفت‌وگوها بود، اما نه لحن بیانیه اروپایی‌ها و نه فضای مذاکرات، امیدی به گشایش فوری ایجاد نکرد. اروپایی‌ها آشکارا از تهران خواسته‌اند ظرف چند روز و حتی در صورت امکان چند ساعت، گام‌های عملی برای رفع نگرانی‌ها بردارد؛ گام‌هایی که شامل از سرگیری گفت‌وگوهای مستقیم با آمریکا و دسترسی کامل آژانس به تمامی سایت‌های هسته‌ای ایران است.

در مقابل، تهران موضعی روشن اتخاذ کرده و تأکید دارد که در سایه حملات مکرر و غیرقانونی علیه تأسیسات هسته‌ای‌اش، نمی‌تواند چشم‌پسته به هر مطالبه‌ای تن دهد. توافق اخیر ایران و آژانس در قاهره و همکاری‌های پادمانی، به‌عنوان اقدامی

سیاسی بازی می‌کند؟ ادامه این روند می‌تواند فضایی بسازد که در آن دیپلماسی زیر سایه تهدیدها و اتهامات یک‌جانبه، امکان مانور مؤثر نداشته باشد.

**اروپا، فشارهای فزاینده و نقش اسرائیل**

مواضع سه کشور اروپایی در نیویورک و پس از دیدار با عراقچی نشان داد که آنها بیش از هر زمان دیگری در هماهنگی با ایالات متحده و حتی با لابی‌های اسرائیلی حرکت می‌کنند. تأکید بر ضرورت دسترسی کامل آژانس، ازسرگیری مذاکرات مستقیم با آمریکا و تعیین ضرب‌الاجل‌های چندروزه و حتی چندساعته، فضایی از فشار حداکثری ایجاد کرده که با منطق یک گفت‌وگوی برابر فاصله زیادی دارد. اروپایی‌ها اعلام کرده‌اند در صورت برآورده نشدن این خواسته‌ها، آماده فعال‌سازی مکانیسم ماشه و بازگرداندن تحریم‌های سازمان ملل هستند؛ اقدامی که می‌تواند بحران را به نقطه‌ای غیرقابل بازگشت بکشاند.

در این میان، نقش اسرائیل قابل چشم‌پوشی نیست. حملات مکرر به تأسیسات هسته‌ای ایران، که تهران آن را جنایتکارانه توصیف کرده، بخشی از راهبرد تل‌آویو برای به‌بن‌بست کشاندن دیپلماسی است. اسرائیل با القای این تصور که برنامه هسته‌ای ایران تهدیدی فوری است، تلاش دارد اروپا و آمریکا را به سمت تصمیم‌های سخت‌تر سوق دهد.

اروپا نیز به‌جای فاصله گرفتن از این فضای تنش‌آز، عملاً در زمین همان بازی می‌کند. سخنان مقامات آلمانی پس از نشست نیویورک و دیدار با عراقچی که تأکید داشتند حتی در صورت اعمال تحریم‌ها، درهای مذاکره باز خواهد ماند، تناقضی آشکار را نشان می‌دهد. چون از یک طرف، همچنان قائل به فشار حداکثری و تهدید به تحریم هستند و هم‌زمان، ادعای پایبندی به دیپلماسی دارند. این دوگانه، عملاً فضایی ساخته که در آن اعتماد متقابل از میان رفته و هر مذاکره‌ای زیر سایه تهدید و فشار شکل می‌گیرد، نه بر مبنای احترام

و متقابل و منافع مشترک.

**چشم‌انداز مبهم دیپلماسی در آستانه تحولات سرنوشت‌ساز**

با در نظر گرفتن همه این عوامل، چشم‌انداز دیپلماسی هسته‌ای ایران در مقطع کنونی به‌شدت مبهم است. ایران تأکید دارد که اقداماتش در همکاری با آژانس، از جمله توافق اخیر در قاهره، نشان‌دهنده حسن نیت و رویکرد مسئولانه است، اما طرف‌های غربی این اقدامات را ناکافی می‌دانند و همچنان بر خواسته‌های حداکثری خود پافشاری می‌کنند.

زمان به‌سرعت در حال گذر است. مقامات اروپایی صریحاً گفته‌اند که فقط چند روز و حتی شاید چند ساعت، برای جلوگیری از فعال شدن مکانیسم ماشه فرصت باقی مانده است. در چنین فضایی، هر اظهارنظر یا اقدام می‌تواند موازنه را تغییر دهد. گروسی با اعزام بازرسان آژانس به ایران و تأکید بر فرصت محدود، می‌کوشد روند گفت‌وگوها را زنده نگه دارد، اما اصرار طرف‌های غربی بر شروط یک‌جانبه، امکان هر گونه پیشرفت را کاهش داده است.

اینکه دیپلماسی بتواند در لحظات آخر از مسیر بحران خارج شود، بستگی به اراده سیاسی همه طرف‌ها دارد. اگر غرب همچنان تحت تأثیر فشارهای اسرائیل و نگاه امنیتی صرف حرکت کند، احتمالاً مذاکرات به سمت تشدید تنش خواهد رفت. در مقابل، پذیرش منطق گفت‌وگوی متوازن و گام‌های متقابل می‌تواند راه را برای توافقی ولو موقت باز کند؛ توافقی که از لغزش پرونده هسته‌ای ایران به سمت بحرانی غیرقابل مهار جلوگیری کند. باید منتظر ماند و دید که در دیدارهای پیش روی مقامات ارشد کشور، از مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، گرفته تا عباس عراقچی، وزیر امور خارجه، با همتایان اروپایی در نیویورک چه نتایجی رقم خواهد خورد؛ نتایجی که هر چه باشد، بی‌تردید می‌تواند مسیری سرنوشت‌ساز نه‌تنها برای ایران، بلکه برای معادلات منطقه‌ای و حتی تحولات جهانی ترسیم کند.



گزارش

## تروئیکای موازنه

**همکاری‌های فزاینده میان مصر، ایران و ترکیه؛**

**محدودیت‌های تازه برای اسرائیل**

**هفت‌صبح** | تحولات غرب آسیا در ماه‌های اخیر با شتابی بی‌سابقه در حال وقوع است. جنگ غزه، تنش در مرزهای لبنان و سوریه، حملات اسرائیل به مواضع ایران و افزایش فشارهای آمریکا، معادلات امنیتی منطقه را به شدت دگرگون کرده است. در این میان، مصر که دهه‌ها یکی از بازیگران کلیدی جهان عرب محسوب می‌شد، اکنون با واقعیتی تازه روبه‌روست؛ واقعیتی که در آن اسرائیل با اتکا به برتری نظامی و حمایت بی‌قیدو شرط واشنگتن، به دنبال گسترش نفوذ و تغییر موازنه قدرت به سود خود است.

نشریه آمراتی «نتشنال» در گزارشی به این تغییرات پرداخته و تأکید می‌کند که قاهره برای مقابله با این روند و کاهش تهدیدهای ناشی از رفتار اسرائیل، در حال تقویت روابط با دو قدرت منطقه‌ای غیراعراب یعنی ایران و ترکیه است. این رویکرد مصر را می‌توان بخشی از تلاش‌های این کشور برای باز یابی جایگاه تاریخی خود در منطقه و ایجاد نوعی موازنه در برابر اسرائیل دانست.

به نوشته این نشریه، اگر چه اختلافات دربرنه میان آنسکارا و تهران و همچنین برخی چالش‌های تاریخی در روابط قاهره با دو کشور مانع از شکل‌گیری یک

برای گسترش روابط نظامی و امنیتی با تهران و آنکارا محسوب می‌شود. این اقدامات هر چند در مرحله ابتدایی قرار دارد، اما نشان‌دهنده تغییری مهم در سیاست خارجی مصر است؛ تغییری که می‌تواند آینده معادلات قدرت در منطقه را تحت تأثیر قرار دهد.

**تحولات جنگ غزه و بازتعریف روابط منطقه‌ای**

تحولات پس از این جنگ، همه بازیگران از جمله مصر، ایران و ترکیه را وادار کرده تا سیاست‌های خود را بازنگری کنند. هر سه کشور اسرائیل را تهدیدی مشترک می‌دانند و در صورت تشدید تنش‌ها، احتمالاً همکاری‌های بیشتری میان آنها شکل خواهد گرفت.

این در حالی است که روابط مصر با ایران و

ترکیه طی سال‌های طولانی با چالش‌های متعدد روبه‌رو بوده است. از یک سو، اختلافات و رقابت‌های منطقه‌ای با تهران و از سوی دیگر، حمایت ترکیه از گروه اخوان المسلمین پس از تحولات ۲۰۱۱ مصر، روابط قاهره با آنکارا

را برای سال‌ها متشنج کرده بود. اما از حدود سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ روندی تدریجی برای بهبود این روابط آغاز شد و جنگ غزه وارد می‌کند.

به قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران و ترکیه می‌تواند برای مصر نوعی پشتوانه سیاسی و امنیتی در برابر فشارهای اسرائیل و حتی برخی بازیگران فرامنطقه‌ای باشد.

**مزایا و پیامدهای احتمالی اتحاد سنجانه**

این سه کشور از ظرفیت‌های قابل توجهی برخوردارند؛ ارتش‌های بزرگ و مجهز، صنایع نظامی در حال توسعه، جمعیتی نزدیک به ۳۰۰ میلیون نفر و کنترل سه ابراه راهبردی یعنی کانال سوئز، تنگه هرمز و تنگه‌های بسفر و داردانل، مزیت‌های ژئوپلیتیک قابل توجهی در برابر اسرائیل به شمار می‌رود.

«حمدا داود اوغلو» نخست‌وزیر پیشین ترکیه، در گفت‌وگو با «نتشنال» این همکاری‌ها را گامی ضروری برای ایجاد ثبات منطقه‌ای توصیف کرده و تأکید دارد که «مثلث مصر، ایران و ترکیه» می‌تواند به‌عنوان محور اصلی در بازتعریف نظم امنیتی خاورمیانه عمل کند. به گفته او، هر سه کشور از تجربه دیپلماتیک طولانی و سنت‌های حکومتی عمیق برخوردارند و این ظرفیت‌ها در کنار منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی و قدرت نظامی می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد یک بلوک قدرتمند منطقه‌ای شود و محدودیت‌های تازه‌ای برای تل‌آویو ایجاد کند.

از سوی دیگر، تهران نیز در سال‌های اخیر تمایل خود را برای باز کردن صفحه‌ای تازه در روابط با کشورهای عربی نشان داده است. توافق ایران و عربستان با میجایی‌گری چین در سال ۲۰۲۳، نقطه عطفی در این روند محسوب می‌شود و اکنون قاهره نیز به‌عنوان یکی از اهداف



یادداشت

**درباره سخنرانی ترامپ در سازمان ملل که به جای سیاست جهانی، کارنامه داخلی خود را تبلیغ کرد**

## روی موج شعار

**ترامپ در سازمان ملل به جای سیاست جهانی، کارنامه داخلی خود را تبلیغ کرد و از دستاوردهای اقتصادی سخن گفت**

**هفت صبح** | سه‌شنبه‌شب، در حالی که رهبران جهان در هشتمین نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد گرد هم آمده بودند تا درباره مهم‌ترین چالش‌های جهانی بحث کنند، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، نخستین سخنرانی خود در دور دوم ریاست جمهوری‌اش را ایراد کرد؛ سخنرانی که به‌جای ارائه راهبردی جامع در حوزه سیاست خارجی یا ارائه ابتکارانی برای حل بحران‌های جهانی، بیشتر به نمایش کارنامه داخلی او شباهت داشت.

ترامپ که پس از بازگشت به کاخ سفید بار دیگر در مرکز توجه سیاست داخلی و خارجی قرار گرفته، در این سخنرانی نیز همچون گذشته تریبون سازمان ملل را به سکویی برای تبلیغات کارنامه خود تبدیل کرد. او با ادبیاتی آمیخته از شعار، اغراق و حملات لفظی، تلاش داشت چهره‌ای مقتدر از خود به نمایش بگذارد و از دستاوردهای اقتصادی و امنیتی دولتش تصویری درخشان ارائه کند.

این در حالی است که انتظار می‌رفت رئیس‌جمهوری قدرتمندترین کشور جهان در سازمان ملل متحد درباره همکاری‌های چندجانبه، بحران‌های زیست‌محیطی، تنش‌های امنیتی و شکاف‌های اقتصادی جهانی سخن بگوید. اما ترامپ بار دیگر ثابت کرد که برای او منافع داخلی و شخصی، اولویت بالاتری نسبت به مسائل جهانی دارد.

**اقتصاد و مرزها؛ روایت داخلی در تریبون جهانی**

یکی از محورهای اصلی سخنرانی ترامپ، اقتصاد ایالات متحده بود. بخشی که او آن را به‌عنوان برگ برنده دولت خود معرفی می‌کند، او با افتخار از «عصر طلایی آمریکا» سخن گفت و مدعی شد که دولتش توانسته مقررات و مالیات‌ها را کاهش دهد، رشد دستمزدها را تسریع بخشد و تورم را تحت کنترل درآورد. ترامپ حتی با اشاره به شکستن ۴۸ رکورد در بازار بورس آمریکا، تصویری از رونق اقتصادی بی‌سابقه ارائه داد؛ روایتی که آشکارا بیشتر برای گوش رای‌دهندگان آمریکایی خوشایند بود تا نمایندگان کشورهای عضو سازمان ملل.

این رویکرد نشان می‌دهد که ترامپ به‌خوبی می‌داند شرایط اقتصادی داخلی چه نقش مهمی در ترسیم چهره او برای آمریکایی‌ها می‌کند. او در صحنه‌ای جهانی اما با مخاطبی داخلی، می‌خواست بگوید که جامعه آمریکایی دلیل کافی برای ادامه حمایت از او را دارند. محور دیگر سخنان او امنیت مرزی و مهاجرت بود. ترامپ بارها از «استحکام مرزها» و «صفر شدن ورود غیرقانونی مهاجران» سخن گفت و کوشید این دستاورد ادعایی را نه‌فقط به‌عنوان یک موفقیت داخلی بلکه به‌مثابه نشانه‌ای از قدرت بین‌المللی ایالات متحده معرفی کند. در واقع، او تلاش کرد این‌گونه القا کند که کشوری قدرتمند در عرصه جهانی باید مرزهای نفوذناپذیر داشته باشد و حمایت داخلی پیش‌شرط اعتبار بین‌المللی است.

این در حالی است که بسیاری از تحلیلگران معتقدند مسئله مهاجرت غیرقانونی اساساً یک موضوع داخلی است و طرح گسترده آن در سازمان ملل بیشتر مصرف تبلیغاتی دارد. ترامپ با این کار نشان داد حتی در حوزه‌هایی که ماهیت جهانی ندارند نیز می‌خواهد پیام انتخاباتی خود را به گوش رای‌دهندگان برساند.

**سیاست خارجی در خدمت تبلیغات داخلی**

گرچه ترامپ در بخشی از سخنانش به مسائل بین‌المللی پرداخت اما این بخش‌ها هم رنگ‌وبوی داخلی داشت. او با تأکید بر «پایان دادن به هفت جنگ بی‌پایان» و کاهش حضور نظامی آمریکا در مناطق بحرانی، در واقع وعده انتخاباتی بازگرداندن سربازان به کشور را بر جسته کرده؛ وعده‌ای که پیش‌تر نیز بارها در کارزارهای انتخاباتی‌اش تکرار شده بود. حملات لفظی ترامپ به ایران و ادعای او مبنی بر اینکه «آمریکا تنها کشوری است که می‌تواند تأسیسات هسته‌ای ایران را نابود کند» نیز بیش از آنکه بخشی از یک استراتژی مشخص دیپلماتیک باشد، با هدف نمایش اقتدار و جلب حمایت داخلی مطرح شد. اما ترامپ اشاره نکرد که در پایان دادن به جنگ او کراین و توقف کشتار در غزه شکست خورده و نتوانست به رغم حملات به تأسیسات اتمی ایران، توان هسته‌ای را بین ببرد. لذا این فرار رو به جلوی رئیس‌جمهور آمریکا نشان داد که حتی سیاست خارجی در نگاه ترامپ ابزاری برای تقویت پایگاه رای‌دهندگان داخلی است.

ادبیات سخنرانی ترامپ همچون گذشته ملو از شعارهای تبلیغاتی بود. عباراتی نظیر «بازگشت احترام جهانی» یا «صفر شدن مهاجرت غیرقانونی» بیشتر به شعارهای کارزار انتخاباتی شباهت داشت تا پیام‌های دقیق دیپلماتیک. چنین زبانی گرچه ممکن است برای حامیان ترامپ در داخل آمریکا جذاب باشد اما در سطح جهانی کمتر مورد پذیرش قرار می‌گیرد و چه‌بسا به تضعیف وجهه دیپلماتیک ایالات متحده بینجامد.

تحلیلگران بر این باورند که ترامپ با چنین رویکردی در واقع سازمان ملل را به سکویی برای تبلیغات شخصی تبدیل کرده است. او به‌جای آنکه به‌عنوان رهبر کشوری با مسئولیت‌های جهانی سخن بگوید، بیشتر در قامت یک نامزد انتخاباتی ظاهر شد؛ نامزدی که می‌خواهد دستاوردهای اقتصادی و امنیتی خود را به رخ بکشد و تصویری از اقتدار بی‌چون‌وچرای آمریکارائه دهد.

**سازمان ملل یا می‌تینگ حزبی؟**

در مجموع، نخستین سخنرانی ترامپ در دور دوم ریاست جمهوری‌اش در سازمان ملل بیش از آنکه پاسخی به چالش‌های جهانی باشد، تلاشی برای آماده‌سازی صحنه داخلی آمریکا برای رقابت‌های انتخاباتی آینده بود که بیشتر روی انتخابات میان دوره‌ای کنگره تمرکز دارد. او با تأکید بر رشد اقتصادی، امنیت مرزی، پایان جنگ‌ها و نمایش قدرت نظامی، پیام روشنی به رای‌دهندگان آمریکایی فرستاد که ایالات متحده در دوران او شکوفا، امن و قدرتمند است تا کماکان نشان دهد پایگاه رای جمهوری‌خواهان تثبیت خواهد شد.

با این حال، منتقدان می‌گویند سازمان ملل متحد جایی برای طرح دیدگاه‌های چندجانبه و یافتن راه‌حل برای بحران‌های جهانی است، نه سکوی تبلیغاتی برای رهبران سیاسی. سخنرانی ترامپ نشان داد که او همچنان سازمان ملل را نه به‌عنوان نهادی برای دیپلماسی چندجانبه، بلکه به‌مثابه تریبونی قدرتمند برای تبلیغات کارنامه خود می‌بیند.





مالیات زو کمان، پیشنهاد ۲ درصدی بر ثروت میلیاردرهای فرانسه، بحث‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی شدید را شعله‌ور کرده است

## شمشیر زو کمان وزخم بر ثروتمندان فرانسه



رامتین لطفی

دبیر بین‌الملل

در حالی که فرانسه در پاییز ۱۴۰۴ برای نبرد بودجه‌ای پرتنش آماده می‌شود، پیشنهاد «مالیات زو کمان» آتش مناقشه‌ای اجتماعی و اقتصادی را شعله‌ور کرده است. این طرح که توسط گابریل زو کمان، اقتصاددان برجسته مدرسه عالی پاریس طراحی‌شده، مالیاتی ۲ درصدی بر ثروت خالص خانوارهای بالای ۱۰۰ میلیون یورو وضع می‌کند. هدف این طرح، بازگرداندن عدالت مالیاتی و بر کردن خزانه‌ای است که زیر فشار بدهی‌های ملی کمر خم کرده، زو کمان با استناد به رشد سهم‌برابری ثروت ۵۰۰ خانواده برتر فرانسه که اکنون ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی را در برمی‌گیرد و نرخ مالیاتی ناچیز ۰.۳ درصدی میلیاردرها در مقایسه با ۰.۵ درصد متوسط شهروندان، این مالیات را «حداقل انصاف» می‌خواند.

بر خلاف مالیات املاک (IFI) که تنها دارای‌های ملکی را با نرخ ۰.۵ تا ۱.۵ درصد هدف می‌گیرد، مالیات زو کمان همه دارایی‌ها از سهام شرکت‌ها تا سپرده‌های بانکی را در برمی‌گیرد و با آستانه بالای ۱۰۰ میلیون یورو، تنها ۱۸۰۰ خانوار را شامل می‌شود. زو کمان پیش‌بینی می‌کند این طرح ۲۰ تا ۲۵ میلیارد یورو درآمد سالانه ایجاد کند، مبلغی که می‌تواند شکاف ۴.۵ میلیاردی ناشی از حذف مالیات همبستگی ثروت (ISF) در ۲۰۱۸ را جبران کند اما منتقدان، با استناد به گزارش شورای تحلیل اقتصادی (CAE)، در آمد را تنها ۵ میلیارد یورو تخمین می‌زنند و هشدار می‌دهند که فرار مالیاتی ۹۰ تا ۹۰۰ ترموند به سوئیس یا دوبی، می‌تواند اقتصاد را از سرمایه‌گذاری‌های کلان محروم کند. با این حال، شورای تحلیل اقتصادی تأکید دارد که تأثیر فرار مالیاتی محدود (۰.۰۲ تا ۰.۲۳ درصد) خانوارهای ثروتمند) خواهد بود، به‌ویژه با پیشنهاد «سپر دفنار» که ثروتمندان مهاجر را تا پنج سال مشمول مالیات نگه می‌دارد.

از منظر اجتماعی، مالیات زو کمان بیش از یک سیاست مالی، نبردی برای بازتعریف دموکراسی است. زو کمان در گاردین می‌نویسد: «تمرکز بی‌سابقه ثروت، قدرتی بی‌مهار خلق کرده که دموکراسی را تحریف و شکاف‌های اجتماعی را عمیق‌تر می‌کند.» داده‌های مؤسسه سیاست عمومی نشان می‌دهد که

نرخ مالیاتی مؤثر برای ۰.۱ درصد بالای درآمدی، ۴۶ درصد اما برای میلیاردرها ۰.۰۰۲ درصد است، چراکه به دلیل استفاده از شرکت‌های هلدینگ از مالیات شخصی معاف‌اند. این نابرابری، خشم عمومی را در خیابان‌های پاریس برانگیخته، جایی که تظاهرات با شعار «ثروتمندان باید دست به جیب شوند» بالا گرفته است. حامیان چپ‌گرا، از سوسیالیست‌ها تا کمونیست‌ها، این مالیات را ابزاری برای مهار «لیگارش‌های مالی» می‌دانند و در فوریه پیش‌نویس آن را در مجلس ملی به تصویب رساندند، هر چند سنا در ژوئن آن را رد کرد. این مالیات می‌تواند بودجه آموزش، درمان و خدمات عمومی را تقویت کند، اعتماد از دست‌رفته به سیستم را بازگرداند و شکاف طبقاتی را که از دهه ۱۹۹۰ سه برابر شده، کاهش دهد.

در سوی دیگر، برنارد آرنو، ثروتمندترین مرد اروپا با ۱۶۹ میلیارد دلار دارایی، این مالیات را «شمشیری مرگبار بر اقتصاد لیبرال» می‌خواند. آرنو که با هلدینگ ای‌وی‌ماچ، امپراتوری ۵۰۰ میلیارد دلاری شامل برندهایی چون دبور، تیفانی و گلنمورانگی، بیش از ۷۵ هزار شغل مستقیم ایجاد کرده، می‌گوید این مالیات سالانه بیش از ۱ میلیارد یورو از او می‌گیرد و سرمایه‌گذاری در فرانسه را فلج می‌کند. او که در ۲۰۱۲

نرخ مالیاتی مؤثر برای ۰.۱ درصد بالای درآمدی، ۴۶ درصد اما برای میلیاردرها ۰.۰۰۲ درصد است، چراکه به دلیل استفاده از شرکت‌های هلدینگ از مالیات شخصی معاف‌اند. این نابرابری، خشم عمومی را در خیابان‌های پاریس برانگیخته، جایی که تظاهرات با شعار «ثروتمندان باید دست به جیب شوند» بالا گرفته است. حامیان چپ‌گرا، از سوسیالیست‌ها تا کمونیست‌ها، این مالیات را ابزاری برای مهار «لیگارش‌های مالی» می‌دانند و در فوریه پیش‌نویس آن را در مجلس ملی به تصویب رساندند، هر چند سنا در ژوئن آن را رد کرد. این مالیات می‌تواند بودجه آموزش، درمان و خدمات عمومی را تقویت کند، اعتماد از دست‌رفته به سیستم را بازگرداند و شکاف طبقاتی را که از دهه ۱۹۹۰ سه برابر شده، کاهش دهد.

در سوی دیگر، برنارد آرنو، ثروتمندترین مرد اروپا با ۱۶۹ میلیارد دلار دارایی، این مالیات را «شمشیری مرگبار بر اقتصاد لیبرال» می‌خواند. آرنو که با هلدینگ ای‌وی‌ماچ، امپراتوری ۵۰۰ میلیارد دلاری شامل برندهایی چون دبور، تیفانی و گلنمورانگی، بیش از ۷۵ هزار شغل مستقیم ایجاد کرده، می‌گوید این مالیات سالانه بیش از ۱ میلیارد یورو از او می‌گیرد و سرمایه‌گذاری در فرانسه را فلج می‌کند. او که در ۲۰۱۲

## رستاخیز امبرسون‌ها و کمی هوش مصنوعی

شرکت شورانر با پشتیبانی آمازون، ۴۳ دقیقه گمشده از شاهکار اورسون ولز را بازسازی می‌کند



فیلم «امبرسون‌های باشکوه» (۱۳۲۱ خورشیدی)، ساخته اورسون ولز پس از شاهکار جاودانه «همشهری کبین»، از دیرباز به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تراژدی‌های تاریخ سینما شناخته می‌شود. به گزارش العربیه، نسخه اصلی ۱۳۱ دقیقه‌ای این فیلم که روایتی عمیق از زوال یک خانواده اشرافی بود، به دستور کمپانی آر.کی.او بدون رضایت ولز، ۴۳ دقیقه از نگاتیوهاش حذف و برای آزادسازی فضای باگانی ناپود شد. این بخش‌های گمشده هرگز یافت نشد و دوستاندار سینما دهه‌هاست گمانه‌زنی می‌کنند که نسخه کامل می‌توانست عنوان بهترین فیلم تاریخ را از آن خود کند، حتی فراتر از «همشهری کبن».

اکنون، شرکت شورانر با حمایت مالی و فنی آمازون، اعلام کرده با ترکیبی از هوش مصنوعی پیشرفته و تکنیک‌های سنتی فیلمسازی، این ۴۳ دقیقه گمشده را بازآفرینی خواهد کرد.

این پروژه غیر تجاری است، زیرا حقوق قانونی فیلم همچنان در اختیار برادران وارنر و کنکوردر قرار دارد. شورانر با هدف خدمت به فرهنگ، دانش و احیای میراث سینمایی ولز، این تلاش را پیش می‌برد تا شکاف تاریخی که کارنامه این نابغه پر شور بر شود، بازسازی از آرشو گسترده‌ای از عکس‌های صحنه،

یادداشت‌های تولید، مدل‌سازی سه‌بعدی دقیق دو کورا و اجرای زنده بازیگران بهره می‌برد. ابزارهای انتقال چهره و حرکت هوش مصنوعی تضمین می‌کنند که شباهت بازیگران اصلی، از جمله جوزف کانن و آن بکستر، حفظ شود. برایان رز، فیلمساز کلیدی پروژه، طی پنج سال گذشته ۳۰ هزار فریم گمشده را به‌صورت دیجیتال بازسازی کرده و چارچوبی دقیق برای هماهنگی حرکات دوربین و نورپردازی فراهم آورده تا صحنه‌ها با وفاداری به فیلمنامه اصلی و عکس‌های باقی‌مانده احیا شوند. یکی از جواهرات حذف‌شده، برداشت پیوسته و خیره‌کننده چهار دقیقه‌ای در تالار بزرگ عمارت امبرسون‌هاست که دوربین با ظرافت میان شخصیت‌های فرعی و روایت‌های موازی حرکت می‌کند. تنها ۵۰ ثانیه از این صحنه باقی مانده و رز معتقد است: «بازگرداندن این لحظه، درک تازه‌ای از نبوغ تکنیکی و روایی ولز به ارمغان می‌آورد و نشان می‌دهد چگونه او مرزهای سینما را جابه‌جا کرد.»

این پروژه نه تنها نفوذ روزافزون هوش مصنوعی در احیای آثار سینمایی را به نمایش می‌گذارد، بلکه بحث‌های داغ اخلاقی و حقوقی را به شعله‌ور کرده است. وارثان ولز این تلاش را «نامیدکننده»

خوانده و نگران‌اند که الگوریتم‌ها خلاقیت انسانی را تحت الشعاع قرار دهند. در مقابل، حامیان پروژه آن را فرصتی بی‌نظیر برای تکمیل میراث ولز و بازگرداندن یکی از گنجینه‌های گمشده سینما می‌دانند. این ابتکار، افق‌های تازه‌ای برای روایتگری دیجیتال می‌گشاید.

این پروژه بخشی از موج رویه‌رشد احیای آثار گمشده و فناوری‌های جدید است. در سال ۱۳۹۹، پیتر جکسون با استفاده از هوش مصنوعی، فیلم‌های صامت ۱۲۶۹ را بازسازی و فریم‌های آسیب‌دیده را با جزئیات خیره‌کننده احیا کرد تا سینمای اولیه جان تازماری بگیرد. در سال ۱۳۹۸، شرکت دپ‌پنس با شبکه‌های عصبی، صحنه‌های «بر باد رفته» را به کیفیت اچ‌دی ارتقا داد و رنگ‌ها و بافت‌های از دست‌رفته را بازآفرینی کرد. در سال ۱۴۰۴، ترم‌افزارهای هوش مصنوعی مولد، مانند ابزارهای حفظ آرشو، فریم‌های مفقود فیلم‌هایی چون «لندن پس از نیمه‌شب» (۱۳۰۶) و دیگر کلاسیک‌های هالیوود را بازسازی کردند. این تلاش‌ها بحث‌های جهانی درباره اصالت هنری و دخالت فناوری در میراث فرهنگی به راه انداخته و سینما را به عصر «رستاخیز دیجیتال» هدایت کرده‌اند.

### کیوسک



نیویورک تایمز آمریکا، عکس اصلی خود را به سخنرانی دونالد ترامپ در سازمان ملل اختصاص داد و بر سوالی که او پرسید تمرکز کرد «هدف از تشکیل سازمان ملل چیست؟» و به این پرسش با طعنه به اعمال و رفتار ترامپ پاسخ داد.

واشنگتن پست آمریکا با انتشار عکسی از سخنرانی دونالد ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل، از برگزاری تظاهرات اعتراضی بزرگ و کوچک در آمریکا علیه او خبر داد.



در ۲۴ سپتامبر ۱۹۴۹، یعنی ۷۶ سال پیش و در چنین روزی، هری ترومن، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، با اعلام شواهدی از انفجار اولین بمب هسته‌ای اتحاد جماهیر شوروی، جهان را در بهت فرو برد. این لحظه تاریخی، انحصار هسته‌ای آمریکا پس از جنگ جهانی دوم را درهم شکست و مسابقه تسلیحاتی جنگ سرد را کلید زد. این افساگری نه تنها توازن قدرت را دگرگون کرد، بلکه تنش‌های ژئوپلیتیک میان دو ابرقدرت را به اوج رساند و سلاح‌های هسته‌ای را به نماد بازدارندگی و هراس جهانی بدل نمود. توانایی فنی شوروی، نگرانی‌های عمیقی درباره گسترش تسلیحات هسته‌ای برانگیخت که تا امروز جوامع را تحت تأثیر قرار داده است. این اعلام، پیامدهای اجتماعی گسترده‌ای داشت. ترس از نابودی هسته‌ای به فرهنگ عمومی نفوذ کرد، پناهگاه‌های خانگی، آموزش‌های بقا در مدارس و فیلم‌های آخرالزمانی، بخشی از زندگی روزمره شدند. این فضای اضطراب، جنبش‌های صلح‌طلبانه را در اروپا و آمریکا تقویت کرد، از جمله سازمان‌هایی چون «کمپین خلع سلاح هسته‌ای» که خواستار جهانی بدون این تهدید وجودی بودند. این جنبش‌ها، با تظاهرات و آگاهی‌بخشی، تلاش کردند صدای مردم عادی را در برابر سیاست‌های ابرقدرت‌ها بلند کنند. برای نمونه، در دهه ۱۹۵۰، اعتراضات گسترده در لندن و نیویورک علیه آزمایش‌های هسته‌ای، سیاستمداران را وادار به بازنگری در استراتژی‌های تسلیحاتی کرد.

زادخانه‌های امروز: قدرت در سایه کاهش

تا ژانویه ۲۰۲۵، روسیه با ۵۴۵۹ کلاهک هسته‌ای و آمریکا با ۵۱۷۷ کلاهک، حدود ۸۷ درصد از زرادخانه‌های هسته‌ای جهان را در اختیار دارند. این ارقام، هرچند باورنکردنی و عظیم اما تنها کسر کوچکی از اوج جنگ سرد است. در ۱۹۸۶، شوروی بیش از ۴۰ هزار و آمریکا بیش از ۳۰ هزار کلاهک داشت. کاهش چشمگیر، نتیجه پیمان‌های کنترل تسلیحات مانند استارت در ۱۹۸۷ و استارت جدید در ۲۰۱۰ است. با این حال، قدرت تخریب این سلاح‌ها همچنان هولناک است؛ یک کلاهک مدرن می‌تواند شهری را در چند ثانیه محو کند. تفاوت در قدرت انفجاری از چند کیلوتن تا مگاتن، مقایسه اعداد را پیچیده می‌کند، اما هر دو کشور توانایی نابودی چندباره جهان را حفظ کرده‌اند. این زرادخانه‌ها، فراتر از استراتژی نظامی، زندگی اجتماعی را شکل داده‌اند. بودجه‌های کلان نظامی در هر دو کشور، منابع را از آموزش، بهداشت و زیرساخت‌ها دور کرده و

نابرابری‌های اجتماعی را تشدید کرده است. برای مثال، در آمریکا، هزینه‌های نظامی سالانه بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار است که می‌توانست صرف بهبود سیستم آموزشی یا مراقبت‌های بهداشتی شود. در روسیه نیز، اولویت‌بندی نظامی، فشار اقتصادی بر طبقات متوسط و پایین را افزایش داده است. در عین حال، وجود این سلاح‌ها، حس امنیت کاذب و اضطراب دائمی را در جوامع تقویت کرده است. جنبش‌های ضد هسته‌ای، مانند کمپین بین‌المللی برای لغو سلاح‌های هسته‌ای (ICAN) که در ۲۰۱۷ جایزه صلح نوبل را برد، با حمایت مردمی برای خلع سلاح فشار می‌آورند. این گروه‌ها، از تظاهرات خیابانی در برلین تا لایچی‌گری در سازمان ملل، خواستار تغییر پارادایم جهانی‌اند.

استارت جدید: امیدی شکننده در لبه فروپاشی

ولادیمیر پوتین اعلام کرد روسیه برای یک سال دیگر، پس از انقضای پیمان استارت جدید در فوریه ۲۰۲۶ به محدودیت‌های این پیمان پایبند می‌ماند و از آمریکا خواست همین مسیر را دنبال کند. این پیمان، امضاشده در ۲۰۱۰ توسط باراک اوباما و دمتری مدودف، تعداد کلاهک‌های هسته‌ای مستقر را به ۱۵۵۰ و موشک‌ها و بمبافکن‌های مستقر را به ۷۰۰ محدود می‌کند. پوتین هشدار داد که پایان این پیمان، ثبات جهانی را به خطر می‌اندازد، به‌ویژه در بحبوحه تنش‌های ناشی از تهاجم روسیه به اوکراین که روابط دو کشور را به پایین‌ترین سطح در ۶۰ سال اخیر رسانده است. استارت جدید، که بازسی‌های میدانی برای راستی‌آزمایی را شامل می‌شد، از ۲۰۲۰ متوقف شده و در فوریه ۲۰۲۲، پوتین مشارکت روسیه را به حالت تعلیق درآورد، با ادعای اینکه آمریکا و ناتو به دنبال «شکست» مسکو در اوکراین‌اند. با این حال، کرملین تأکید کرده که از پیمان خارج نمی‌شود و به سقف‌های تعیین‌شده احترام می‌گذارد. دمتری

### ترندهای پنج کشور جهان در گوگل



### آزادی بیان؟ بول‌بده!

رابرت دنبرو، ستاره هالیوود و منتقد سرسخت دونالد ترامپ، در برنامه «زنده، جیمی کیمل» با ایفای نقش «برندن کار»، رئیس خیالی کمیسیون فدرال ارتباطات (FCC)، طوفانی به پا کرد. این اپیزود که اولین برنامه کیمل پس از بازگشت به شبکه ای‌بی‌سی بود، با شوخی‌های تند و تیز علیه ترامپ و تروور چارلی کرک، جنجال‌ساز و حتی به تهدید تعلیق مجدد برنامه منجر شد. دنبرو در نقش یک رئیس تبهکار، با لهجه‌ای آشنا از فیلم‌های «رققای خوب» و «راننده تاکسی»، به کیمل هشدار داد که آزادی بیان دیگر «ایگان» نیست. او با طعنه گفت: «اگر بخواهی از موی زرد و زیبایی رئیس‌جمهور تعریف کنی، مجانی است اما اگر جرات کنی درباره جت شخصی جفری اپستین و نیازش به دو صندلی شوخی کنی، باید دست در جیب بکنی و هزینه بدهی.» این بازیگر برنده اسکار، در دیالوگی آتشین، وقتی کیمل از تاکتیک‌های تبهکارانه کمیسیون فدرال ارتباطات انتقاد کرد، پاسخ داد: «من خودم اون کمیسیون لعنتی‌ام! من هر مزخرفی بخوام می‌گم، شماها نمی‌تونید!» این نمایش جنجالی و طنزآمیز نه تنها قدرت بازگری دنبرو را به رخ کشید، بلکه انتقادی تند از محدودیت‌های آزادی بیان در قالب طنز بود.

### پل‌دزدان



کلودیا کاردیناله، ستاره درخشان سینمای ایتالیا، در ۸۷ سالگی در شهر نمور فرانسه درگذشت. او با نقش آفرینی در شاهکارهایی چون «هشت و نیم» فلینی، «یوزپلنگ» ویسکونتی و «روزی روزگاری در غرب» لئونو، به یکی از نمادهای سینمای جهان بدل شد. کاردیناله در بیش از ۱۳۰ فیلم بازی کرد و سه جایزه دیوید دی دوناتلو و شیر طلایی افتخاری ونیز (۱۹۹۳) را کسب کرد. کاردیناله متولد ۱۹۳۸ در تونس، با تسلط بر زبان‌های فرانسوی، عربی و سیسیلی، از جوانی وارد سینما شد و با فیلم‌هایی چون «گوها» و «آنتونیو زیبا» به شهرت رسید. او در هالیوود نیز درخشید و در کنار ستارگانی چون جان وین و برت لنکستر بازی کرد. او در ۲۰۰۸ نشان لژیون دونور فرانسه را دریافت کرد. مرگ او بی‌شک آندوه بزرگی برای خوره‌های سینما و طرفداران سینمای کلاسیک است.

### پنگه دنیا

## آغاز عصر هسته‌ای، تولد یک کابوس جهانی

سایه تسلیحات هسته‌ای و ترس همچنان بر جهان سنگینی می‌کند



پسکوف، سخنگوی کرملین، این پیمان را «تنها ابزار باقی‌مانده برای گفت‌وگو» با آمریکا خواند و هشدار داد که بدون آن، چارچوب قانونی کنترل تسلیحات فرومی‌پاشد. این تمدید یک‌ساله، روزه امیدوی شکننده برای حفظ ثبات جهانی است، اما نبود گفت‌وگو برای پیمان بعدی، کارشناسان کنترل تسلیحات را نگران کرده است.

البته پوتین در سپتامبر ۲۰۲۴ د آخرین هسته‌ای روسیه را بازنگری کرد و اعلام کرد حمله متعارف از سوی کشوری غیر هسته‌ای با حمایت قدرت هسته‌ای، حمله‌ای مشترک تلقی شده و می‌تواند پاسخ هسته‌ای در پی داشته باشد، سیاستی که آستانه استفاده از سلاح‌های هسته‌ای را به شکل خطرناکی پایین می‌آورد.

پیامدهای اجتماعی و چشم‌انداز آینده

از ۱۹۴۹ تا امروز، سایه تسلیحات هسته‌ای بر زندگی اجتماعی سنگینی کرده است. ترس از نابودی هسته‌ای، از فیلم‌های آخرالزمانی مانند «دکتر استرنج‌لانو» تا ادبیات و موسیقی، فرهنگ عمومی را نفوذ کرده و نسلی را با اضطراب دائمی پرورش داده است. پیمان‌هایی چون استارت جدید، هرچند ناقص، نشان داده‌اند که همکاری حتی در اوج تنش ممکن است. اما با انقضای قریب‌الوقوع این پیمان در ۲۰۲۶ و نبود جایگزین، جهان در لبه پرگاه جدیدی ایستاده است، جنبش‌های صلح‌طلبانه در اروپا، آسیا و آمریکا با تظاهرات و کمپین‌های آگاهی‌بخشی، خواستار خلع سلاح‌اند و فشار اجتماعی را برای پایان این تهدید وجودی تقویت می‌کنند. برای مثال، تظاهرات اخیر در توکیو و لندن، با حضور ده‌ها هزار نفر، خواستار تمدید پیمان‌های کنترل تسلیحات شد. باید منتظر ماند و دید که تمدید یک‌ساله پوتین جرقه‌ای برای گفت‌وگوهای تازه خواهد بود یا تنها تعویقی تبلیغاتی در سایه تهدیدهای مکرر هسته‌ای.



#### جرعه‌ای از یک رویای شخصی

هر پروژه بزرگی با یک جرعه کوچک آغاز می‌شود. برای «یوز»، این جرعه در سال ۱۳۹۶ در ذهن رضا ارژنگی زده شد. او که ایده قصه‌ای درباره یک تولد یوزپلنگ دورمانده از وطن را در سر داشت، تصمیم گرفت برای اثبات قابلیت‌های این ایده، خود دست به کار شود. ارژنگی تعریف می‌کند: «استارت پروژه از سال ۱۳۹۶ زده شد. در آن زمان، من مشغول ساخت یک تریلر برای معرفی این انیمه بودم.» او با سرمایه‌گذاری شخصی، یک تریلر یک‌دقیقه و ۲۰ ثانیه‌ای ساخت تا بتواند با دستی پر به سراغ تهیه‌کنندگان برود. این تلاش شخصی نتیجه داد.

ایده اولیه پس از بررسی‌ها و گفت‌وگوهای فراوان، گسترش یافت و به شکل فعلی خود درآمد. این آغاز راهی بود که اگر چه استارت آن در سال ۹۶ خورده، اما مسیر تولیدش دستخوش وقفه‌های متعددی شد.

#### ماراتن تولید در میانه توفان‌ها

ساخت انیمیشن در ایران، خود به تنهایی یک چالش بزرگ است؛ حال تصور کنید که این مسیر با بحران‌های اجتماعی و جهانی نیز تلاقی کند. رضا ارژنگی با اشاره به این سختی‌ها می‌گوید: «فیلم مسیر بسیار سختی را طی کرد. این انیمیشن هم جنگ و هم دوران همه‌گیری کرونا را پشت سر گذاشت و به همین دلیل، تولید آن بارها با وقفه مواجه شد.» این وقفه‌ها باعث شد که فرآیند تولید به دو بازه زمانی تقسیم شود. به گفته احسان کاوه، تهیه‌کننده فیلم، «مرحله پیش‌تولید بین سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ صورت گرفت». پس از یک توقف، فاز نهایی تولید آغاز شد. ارژنگی زمان تولید منسجم و جدی را این‌گونه توصیف می‌کند: «حدود دو سال و نیم پیش بود که ما به طور جدی تولید انیمیشن را آغاز کردیم.» یکی از نکات شگفت‌انگیز درباره «یوز»، تیم کوچک و منسجم آن است. در دنیایی که استودیوهای بزرگ انیمیشن‌سازی صدها نفر را برای یک پروژه به کار می‌گیرند، این فیلم با تیمی جمع‌وجور به سرانجام رسید. ارژنگی در این باره توضیح می‌دهد: «تیم تولید ما تیم بزرگی نبود. حدوداً ۳۰ انیماتور، مدیر تولید، سرپرست تسکسر و محیط، طراح و خودم در بخش فنی حضور داشتیم.» او اضافه می‌کند که با احتساب تهیه‌کننده و سایر عوامل، کل تیم «به زحمت به چهل یا پنجاه نفر می‌رسد» و تیم اصلی تولید انیمیشن (بدون احتساب تیم دوبله) حتی کمتر از چهل نفر بود. این تلاش با منابع محدود، از منظر اقتصادی نیز قابل تأمل است. احسان کاوه اشاره می‌کند که به دلیل طولانی شدن فرآیند تولید و تورم، اعلام یک عدد دقیق برای هزینه ساخت دشوار است، اما می‌توان گفت هزینه تولید این انیمیشن «تقریباً یک‌چهارم تا یک‌پنجم هزینه ساخت یک فیلم رئال در شرایط فعلی بوده است». این مقایسه به خوبی نشان می‌دهد که انیمیشن‌سازان ایرانی با چه محدودیت‌هایی، دنیاهای بزرگ خود را خلق می‌کنند.

#### صدافتی کم‌نظیر: ما با پیکسار قابل مقایسه نیستیم

در فضای رسانه‌ای ایران که اغلب سازندگان با اغراق از آثار خود به عنوان اثری در تراز جهانی باد می‌کنند، رویکرد رضا ارژنگی به کیفیت «یوز» بسیار صادقانه و قابل تأمل است. وقتی از او درباره مقایسه کیفیت فیلم با تولیدات روز دنیا مانند پیکسار پرسیده می‌شود، پاسخ می‌دهد: «این انیمیشن با کارهای استودیو پیکسار قابل مقایسه نیست.» دلیل این امر را نیز به وضوح بیان می‌کند: «چون بزرگانی که در آن آثار کار کرده‌اند، متعلق به صنعت انیمیشن غرب هستند و ما در حقیقت در حال تقلید و یادگیری از آنها هستیم.» این واقع‌گرایی اما به معنای ناامیدی نیست. ارژنگی این فیلم را یک تجربه گران‌بها می‌داند و معتقد است: «من از ساخت این فیلم درس‌های زیادی گرفتم که قطعاً باعث می‌شود فیلم دوم من نه دو برابر، که صد برابر بهتر باشد.» با تمام این‌ها، او ارزش کار خود را در بیستر سینمای ایران می‌سنجد و می‌گوید: «می‌توانم بگویم در میان آثار ایرانی، کار بدی نیست و یک قدم رو به جلو محسوب می‌شود.»

#### گفت‌وگو با سازندگان انیمیشن «یوز» به بهانه اکران سراسری

# ماراتن «یوز» برپرده سینما

- تحلیل کارگردان «یوز» از یک معادله معکوس: چرا اکران انیمیشن‌های بزرگ خارجی می‌توانست به بالا رفتن کیفیت و حتی فروش بیشتر فیلم ما کمک کند؟**

##### فاطمه برزویی

هفت صبح

در چشم‌انداز سینمای ایران که گیشه‌هایش اغلب در تسخیر کمدی‌های پرسروصدا و درام‌های اجتماعی است، انیمیشن همواره مسیری دشوار و نزدیک به یک رویای دور را پیموده است. هر اثر جدید در این حوزه، نه فقط یک فیلم، که بیانیه‌ای از امید و تلاشی ستودنی برای اثبات خود است. انیمیشن «یوز»، محصول جدید مرکز انیمیشن سوره، نیز از این قاعده مستثنا نیست. با این حال، برای درک درست جایگاه این اثر باید با نگاهی واقع‌بینانه به آن نگر بست. «یوز» با وجود تلاش‌های فنی قابل احترام و پیام صمیمانه‌اش، از ضعف‌هایی رنج می‌برد؛ فیلمنامه آن اگر چه ایده‌ای تازه و خلاقانه دارد اما روایتی نسبتاً ساده و قابل پیش‌بینی را دنبال می‌کند که شاید می‌توانست لایه‌های پیچیده‌تر و عمیق‌تری داشته باشد. از سوی دیگر، کیفیت فنی آن گرچه در مقیاس داخلی یک قدم رو به جلو محسوب می‌شود، اما فاصله بسیار زیادی با استانداردهای جهانی را به وضوح نمایان می‌سازد. این کاستی‌ها اما نه لزوماً از کمبود استعداد، که آینده‌ای تمام‌نما از محدودیت‌های ذاتی این صنعت در ایران است: تیم‌های کوچک، بودجه‌های ناچیز و تجربه‌ای که هنوز در حال آزمون و خطاست. بنابراین، داستان اصلی و شاید جذاب‌تر «یوز»، نه فقط ماجرای روی پرده، که قصه پرماجرای تولد دشوار آن و مسیری است که سازندگان طی کرده‌اند. این انیمیشن که داستان یک یوزپلنگ ایرانی دور از وطن را روایت می‌کند، برای رسیدن به پرده سینما، راهی پرفراز و نشیب‌تر از قهرمان قصه‌اش را پیموده است. به بهانه اکران این اثر، با کارگردان و تهیه‌کننده آن به گفت‌وگو نشستیم تااز پیچ‌وخم‌های این مسیر بشنویم.



## یوز



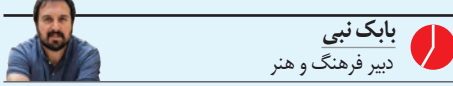
### گفت و گو

**یک فریم، یک استقلال؛ نگاهی به بحران هویت و اقتصاد در عکاسی فیلم**

## قتل مولف سر صحنه فیلمبرداری

**ساعد نیک‌ذات، فیلمبردار و داور نهمین مسابقه عکس سینمای ایران، معتقد است عکاس فیلم باید نگاه**

**مستقل و مولفانه خود را از بطن تولید بیرون بکشد و صرفاً به شبیه‌سازی پلان‌های کارگردان اکتفا نکند**



دیر فرهنگ و هنر

با اعلام نامزدهای نهمین دوره مسابقه عکس سینمای ایران، هیجان و انتظار برای شناختن بهترین قاب‌های ثبت‌شده از سینمای کشور به اوج خود رسید است، اما پیش از آنکه نام برندگان در تاریخ این رویداد ثبت شود، اکنون بهترین زمان برای درنگ و تأمل است. فرصتی برای آنکه از پس شور و هیاهوی این رقابت، به خود «عکاسی» در کالبد سینمای ایران خیره شویم و بپرسیم در چه حال است و به کدام سسو می‌رود؟ برای یافتن پاسخی عمیق و دقیق، به سراغ مردمی رفتم که سال‌هاست هم در مقام عکاس و هم در جایگاه فیلمبردار، در دو سوی لنز زیسته و با پیچیدگی‌های نور و سایه در سینما آشناست. ساعد نیک‌ذات، متولد بوشهر، از اعضای هیئت مؤسس انجمن عکاسان ایران و انجمن فیلمبرداران سینمای ایران که نامش با آثاری چون «زمانی برای مستی اسب‌ها» گره خورده، امسال بر کرسی داوری این مسابقه نشسته است. کلامش صریح است و نگاهش نافذ؛ نه تعارف می‌کند و نه از بیان حقایق تلخ ایایی دارد. او ما را به سفری در جهان‌بینی یک عکاس فیلم می‌برد؛ سفری که در آن، عکس نه بازتابی از فیلم، که روایتی مستقل در آن است.

#### صحنه اول: مولف یا مقلد؟

وقتی از ساعد نیک‌ذات درباره سطح کیفی آثار رسیده به جشنواره می‌پرسیم، او بی‌درنگ بحث را به ریشه‌ها می‌برد؛ به تعریف هویت و وظیفه یک عکاس در دل یک پروژه سینمایی. او معتقد است عکاس فیلم با دو جهان مواجه است: «محتوای داستان و شکل اجرایی آن». وظیفه او ثبت این دو است، اما چگونه؟ نیک‌ذات به لحنی که از تجربه سال‌ها حضور در صحنه برمی‌آید، می‌گوید: «معمولاً چیزی که من سر صحنه دیده‌ام و در خروجی کار عکاسان فیلم هم مشهود است، نوعی شباهت‌سازی پلان فیلم است. یعنی همان چیزی که کارگردان و فیلمبردار در دکوپاژ به نتیجه رسیده‌اند، توسط عکاس هم عکاسی می‌شود.» اما او بلافاصله یک شکاف عمیق را آشکار می‌کند؛ شکافی که

به چشم داستان یک فیلم نگاه نمی‌کنم؛ من به عنوان داستان یک عکاس به آن‌ها نگاه می‌کنم که او چگونه آن فیلم را دیده و روایت کرده است.»

#### صحنه سوم: شمشیر دولبه تکنولوژی و ساه به سنگین اقتصاد

پیشرفت تکنولوژی، امکانات فوق‌العاده‌ای در اختیار عکاسان قرار داده است. دوربین‌هایی با مگاپیکسل‌های بالا، ابزارهای انعطاف‌پذیر، وایت بالانس دقیق و شاترهای بی‌صدا. نیک‌ذات تأکید می‌کند که «عکاس می‌تواند نهایت لذت را از کار ببرد و خروجی بسیار خوبی بگیرد.» اما همین تکنولوژی، روی دیگری نیز دارد. «چون ابزار عکاسی سهل‌الوصول شده و دیگر پیچیدگی‌های کار با تانابو و اسلاید را ندارد، خیلی‌ها بدون آگاهی علمی وارد این حرفه شده‌اند.» ایسن ورود افراد غیرمتخصص، به جایگاه حرفه‌ای عکاس لطمه زده است. اما زخمی عمیق‌تر بر پیکر این حرفه، از جایی دیگر سر باز کرده است: اقتصاد. نیک‌ذات با تأسّف از پدیده‌ای نوظهور به نام «هدیر عکاسی» حرف می‌زند. «من اولین بار در عرم چنین چیزی شنیدم. عکاس چون زندگی‌اش نمی‌چرد، روی مجبور است دو یا سه پروژه را هم‌زمان بگیرد. بعد یک دستیار یا شاگردش را برای عکاسی به پروژه‌ها می‌فرستد و خودش به‌ندرت سر می‌زند. خب تکلیف من داور چیست؟ وقتی یک عکاس را می‌بینم، باید بپرسم این عکس واقعاً مال کیست؟ عکاسش کیست؟»

این آشفتگی، که ریشه در عدم امنیت مالی دارد، باعث شده عکاس آن جایگاه مولف و مستقل را پیدا نکند. «هنوز آن جایگاه شخصیتی و مالی برای عکاس فیلم جانیفته‌است.» او به گذشته اشاره می‌کند، به دوران نگاتیو که عکاسی فیلم یک قطب بسیار مهم و سرنوشت‌ساز در تبلیغات بود و عکاسان در جه یکی در آن دوران فعالیت می‌کردند. اما امروز، «عدم اطمینان از آینده مالی» چون سایه‌ای بر سر این حرفه سنگینی می‌کند و مانع از آن می‌شود که عکاس بافراغ پال فیلمنامه را بخواند، با آن زندگی کند و داستان خود را از دل آن بیرون بکشد.



#### صحنه چهارم: هوش مصنوعی، ابزار است نه رقیب

در هیاهوی بحث‌ها درباره هوش مصنوعی و آینده مشاغل، این نگرانی در حوزه عکاسی نیز وجود دارد. اما ساعد نیک‌ذات، که خود مدرس هوش مصنوعی است، با آرامش این نگرانی را بی‌مورد می‌داند. «هوش مصنوعی در این بخش از عکاسی سینما که یک کار مستندنگاری است، اصلاً هیچ نقشی ندارد. شما باید از یک واقعهای که جلوی دوربین اتفاق می‌افتد، منظر خود را انتخاب و عکاسی کنید.» او توضیح می‌دهد که هوش مصنوعی مولد تصویر، بر مبنای «واژه‌نگاری» یا در خواست متنی کار می‌کند و ربطی به ثبت واقعیت ندارد. «درست است که نرم‌افزارهای ایند مثل فتوشاپ از سال‌ها پیش از هوش مصنوعی برای ابزارهایی مثل سلکت کردن استفاده می‌کنند، اما این‌ها ابزارهایی در دست هنرمند هستند. هوش مصنوعی در عکاسی سینمایی هیچ تغییری ایجاد نخواهد کرد.»

#### صحنه پنجم: قضائوتی بر قاب‌های امروز

با تمام این تفاسیر، نگاه نیک‌ذات به آثار رسیده به جشنواره چگونه است؟ او ضمن تأیید پیشرفت‌های فنی، از منظر محتوایی گلایه‌های جدی دارد. «بخشی از ماجرا به خود فیلم‌ها برمی‌گردد که به عکاس اجازه چه کاری را می‌دهند. اما اینکه ما همیشه نشان دهیم یک نفر کنار گرین نشسته، خیلی تکراری شده.» او انتظار بیشتری دارد. انتظار دارد نگاه عکاس به جزئیات انسانی و فنی معطوف شود. «دل‌م می‌خواهد عکاس همه جا حضور داشته باشد.

#### آرزویی برای گیشه: فقط هزار تومان بیشتر

این نگاه واقع‌گرایانه در پیش‌بینی فروش فیلم می‌شود. ارژنگی هیچ ادعای عجیبی درباره شکستن رکوردهای فروش ندارد و می‌گوید این حوزه «اصلاً قابل پیش‌بینی نیست و به شرایط اجتماعی و سیاسی هم بستگی دارد.» خواسته قلبی او اما بسیار نامدین و شنیدنی است: «همین که بتواند هزار تومان بیشتر از پر فروش‌ترین انیمیشن قبلی سینمای ایران بفروشد، به نظر من یک پیشرفت خوب و موفقیت است. این خواسته قلبی من است.» این آرزوی کوچک، خود گویای دغدغه بزرگ‌تری است: رشد قدم‌به‌قدم و پایدار انیمیشن در ایران.

مخاطب اصلی فیلم کودکان هستند، اما تجربه نشان داده که بزرگسالان نیز به واسطه همراهی فرزندانشان با داستان درگیر می‌شوند و از آن لذت می‌برند. ارژنگی از اینکه می‌بیند بزرگسالان نیز در سینما به وجد می‌آیند، ابراز خوشحالی می‌کند.

#### رقابت نابرابر و یک هویت صدر صد ایرانی

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های انیمیشن در ایران، رقابت با فیلم‌های کم‌دی است که برای فروش بالا از شوخی‌های بزرگسالانه بهره می‌برند؛ ابزاری که انیمیشن کودکان از آن بی‌بهره است. ارژنگی معتقد است اگر یک اثر بتواند بدون این موارد به فروش قابل‌قبولی برسد، حتماً ارزش درونی ویژه‌ای دارد. او همچنین به نکته‌ای کلیدی اشاره می‌کند: نبود رقابت با آثار جهانی. به باور او، اگر انیمیشن‌های خارجی در ایران اکران می‌شدند، سطح توقع مخاطب و استاندارد تولیدکنندگان بالا می‌فت: «اگر انیمیشن‌های خارجی در ایران اکران می‌شدند، این فیلم با استانداردهای چندین مرتبه بالاتر ساخته می‌شد؛ حتماً هزینه بیشتری برای آن صرف می‌شد و کیفیت بسیار بالاتری می‌داشت.» او معتقد است «رقابت باعث پیشرفت می‌شود» و حضور آثار بزرگ، تیم‌های ایرانی را وادار به تلاش برای ارتقای دانش و کیفیت خود می‌کرد.

با وجود تمام این چالش‌ها، «یوز» یک اثر صدرصد ایرانی است. احسان کاوه با افتخار تأکید می‌کند که فیلم با همکاری استعدادهای داخلی ساخته شده و تنها عوامل غیرایرانی پروژه، نوازندگان ارکستر فیلارمونیک پراگ بودند که اجرای موسیقی آهنگساز ایرانی اثر، افشین عزیزی را بر عهده داشتند.

حتی بخش پایانی انیمیشن که در آن خانواده یوزپلنگ به شهرهای مختلف ایران سفر می‌کنند و با تکنیک دوبعدی ساخته شده، حاصل یک تصمیم هوشمندانه برای تقویت هویت ایرانی در عین مدیریت هزینه‌ها بوده است. این بخش از ابتدا در فیلمنامه وجود داشت و دلیل استفاده از تکنیک دوبعدی، هزینه سرسام‌آور ساخت فضاهای سه‌بعدی متعدد برای مکان‌هایی چون ارگ یم یا منار جنبان بود که به گفته کاوه، «شاید به اندازه کل بودجه فیلم، هزینه در بر داشت.»

اکنون «یوز» بر پرده سینماهاست و سرنوشت آن بیش از هر چیز به قضاوت مخاطبانش گره خورده است. باید دید که آیا کودکان، به عنوان مخاطبان اصلی این اثر، می‌توانند با این «یوزپلنگ تپل و بامزه» ارتباط برقرار کنند و خانواده‌هایشان را برای تماشای یک قصه کاملاً ایرانی به سالن‌های سینما بکشانند. آیا این فیلم خواهد توانست به خواسته قلبی کارگردانش جامه عمل بپوشاند و حداقل هزار تومان بیشتر از پر فروش‌ترین انیمیشن قبلی سینمای ایران بفروشد تا موفقیتی نمادین را رقم بزند؟

پاسخ این پرسش‌ها در هفته‌های آینده مشخص خواهد شد، اما امید سازندگان تنها به گیشه داخلی محدود نمی‌شود؛ چرا که صاحبان آن برنامه‌هایی برای پخش بین‌المللی و فروش خارجی آن را در دستور کار دارند. «یوز» با تمام فراز و نشیب‌هایش، علاوه بر داستان بازگشت یک یوزپلنگ به وطن، روایتی از استقامت، صداقت و عشق به هنر انیمیشن در سرزمینی است که این هنر برای بقا می‌جنگد؛ درست مانند یوز ایرانی.



دود و آلاینده‌ها قصبه‌ای تلخ

از رفاه نابرابر برای مردم مناطق نفت خیز

# اهدای خون توسط مردم مجاور پتروشیمی‌ها ممنوع

یک فعال محیط زیست مدعی

است که بر اساس برخی از نتایج

پژوهش‌های در زپیدا کرده به

رسانه‌ها، فلزات سنگین

موجود در هوا مانع اهدای

خون توسط ساکنان شده

و احتمال

ناهنجاری‌های

مادرزادی هم

در آنها وجود

دارد

شعله‌های آتشی که در دل تاریکی فوران می‌زنند به همراه هزاران چراغی که در محدوده پالایشگاه روشن هستند، حکایت امیدوارکننده‌ای است از اینکه نبض اقتصاد کشور همچنان از دل خاک بیرون می‌زند و می‌تپد. طلای سیاهی که گرچه ضامن تأمین پولی است که می‌تواند چرخ‌های صنعت و تولید را به حرکت درآورد و رفاه را برای هموطنان به ارمغان بیاورد ولی، همین طلای ناب سال‌هاست که به مردم ساکن این مناطق وفا نکرده است. مردمی که با وجودیکه روی دریایی از گنج قدم می‌زنند اما همچنان از داشتن بسیاری از امکانات اولیه مانند آب و هوای سالم و پاک نیز محروم هستند و چند سالی است که با توسعه مناطق نفتی و پتروشیمی، سلامتشان نیز به شکلی جدی به خطر افتاده است!



## کسی به اعتراض‌ها و هشدارها توجهی نمی‌کند

با این حال این گزارش و گزارش‌های مشابه تاکنون چندین مورد توجه قرار نگرفته‌اند تا اینکه در یکی از آخرین گزارش‌ها، ساکنان محلی مناطق نفت خیز، حضور صنایع نفت و پتروشیمی کیفیت هوا را به شدت کاهش داده و مشکلاتی همچون بیماری‌های قلبی و تنفسی، آلرژی و حتی برخی بیماری‌های ناشناخته را افزایش داده است. در همین زمینه، محمد رضا براز جانی به عنوان یک فعال محیط زیست در بوشهر می‌گوید: «در عسلویه و نخل تقی، نفس کشیدن عادی نیز برای خیلی‌ها به یک چالش روزانه تبدیل شده است. گرد و غبار کانوَن‌های بحرانی خارجی همراه با آلاینده‌های شیمیایی و گازی، هوایی تولید کرده که به‌طور مستقیم سلامت مردم را تهدید می‌کند. مردم باها اعتراض کرده‌اند، گزارش‌های محلی منتشر شده، اما در سطح ملی صدای این مناطق شنیده نمی‌شود.»

## بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته آلاینده‌های ناشی از مراکز نفتی و پتروشیمی نشان می‌دهد که اقامت در مناطق مسکونی مجاور با صنایع پتروشیمی منجر به افزایش ریسک ابتلا به سرطان کبد، ریه، مغز و خون خواهد شد، بر همین مبنای، این آلودگی‌ها باعث ایجاد مشکلات باروری، عقیم شدن، سقط و تولد نوزادان دارای نقص ژنتیکی می‌شود. همچنین آلاینده‌های صنایع پتروشیمی از طریق تنفس، خوردن، آشامیدن و یا جذب از طریق پوست وارد بدن می‌شوند. به همین دلیل مقدار این آلاینده‌ها در هوا، مواد غذایی و نوشیدنی‌ها اندازه‌گیری می‌شوند.

رابطه، مدیران وزارت نفت مدعی‌اند که با تلاش متخصصان و کارشناسان نفت، کاهش ۸۵ درصدی مشعل سوزی در پالایشگاه‌های اول تا پنجم شرکت مجتمع گاز پارس جنوبی طی ۱۰ سال اخیر محقق شده است؛ به طوری که میزان مشعل سسوزی در این پالایشگاه‌ها از ۲۹۰۰ میلیون متر مکعب در سال ۱۳۸۷ به ۴۳۳ میلیون متر مکعب در انتهای سال ۱۳۹۷ کاهش یافته است.

همچنین در ادامه اقدامات زیست محیطی در حوزه منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، مدیریت و برطرف کردن مشکل فلرینگ و مشکل باز یافت واحدهای گوگرد در دستور کار قرار گرفته و بر این منطبق برنامه مصوبه دولت یک میلیارد و دویست میلیون دلار اعتبار به رفع این مشکل اختصاص یافت. اما هنوز هیچ گزارشی از نتیجه این هزینه کرد منتشر نشده است!

این دقیقاً همان موضوعی است که براز جانی نیز به آن اشاره می‌کند و می‌گوید: «وقتی داده‌ای وجود ندارد یا محرمانه باقی می‌ماند، نه مردم می‌توانند فشار بیاورند، نه خبرنگاران ابزار کافی برای پیگیری دارند. به همین دلیل این بحران در سایه می‌ماند. رسانه‌ها معمولاً باره آلودگی کلانشهرها و شهرهای پرجمعیت می‌نویسند، اما چه کسی به عسلویه یا گچساران توجه می‌کند؟» به گفته این فعال محیط‌زیستی بوشهری هر دولتی که روی کار می‌آید، وعده خاموشی فلرهای نفتی در عسلویه را می‌دهد، اما نه تنها هیچ فلری خاموش نمی‌شود، بلکه تعداد آن‌ها روز به روز افزایش پیدا می‌کند. موضوعی که باعث شده تا هم اینک، تقریباً روزی نباشد که در آسمان عسلویه و شهرهای اطراف ابری از آلاینده‌ها دیده نشود. براز جانی در عین حال به برخی از نتایج پژوهش‌های درز پیدا کرده به رسانه‌ها در این خصوص اشاره کرده و می‌گوید: برخی مطالعات نشان می‌دهد که فلزات سنگین موجود در هوا مانع اهدا خون توسط ساکنان شده و احتمال ناهنجاری‌های مادرزادی هم وجود دارد، هرچند هنوز بررسی جامعی در این مورد صورت نگرفته و داده‌های رسمی منتشر نمی‌شود. در این مورد پزشکان

## در عسلویه و نخل تقی، نفس کشیدن عادی نیز برای خیلی‌ها به یک چالش روانه تبدیل شده است. گرد و غبار کانوَن‌های بحرانی خارج می‌همراه با آلاینده‌های شیمیایی و گازی، هوایی تولید کرده که به‌طور مستقیم سلامت مردم را تهدید می‌کند. مردم بارها اعتراض کرده‌اند، گزارش‌های محلی منتشر شده، اما در سطح ملی صدای این مناطق شنیده نمی‌شود

باید این پیگیری به صورت جدی تر انجام شود.

ورسانه‌های محلی بارها هشدار داده‌اند اما وقتی این هشدارها در سطح ملی بازتاب پیدا نمی‌کند، مسئله در حد گزارش‌های پراکنده باقی می‌ماند.

## چالشی برای همه مناطق نفتی ایران

این بحران اما تنها مختص مناطق جنوبی کشور نیست بلکه شامل تمامی مناطق نفت خیز دیگر هم می‌شود. مناطقی مانند بهمنی، گچساران و دهدشت و... مناطقی که مدیر کل حفاظت محیط زیست کهگیلویه و بویراحمد، نیز آلودگی هوای آنها را ناشی از فعالیت‌های نفت و گاز و سوزاندن گاز‌های همراه نفت می‌داند و می‌گوید: «این دو شهرستان جزو مناطق نفت‌خیز کشور هستند و فرسودی خطوط انتقال و سوزاندن گاز‌های همراه، هوا، خاک و آب را آلوده می‌کنند.» عبدال دینانی نسب معتقد است که نوسازی خطوط نفت و گاز، جمع‌آوری گازهای همراه (فلرینگ)، گسترش فضای سبز و ایجاد کمربند سبز در اطراف شهرها می‌تواند بخشی از مشکلات را کاهش دهد. او همچنین می‌گوید: «اخیراً مجوزی صادر شد تا گازهای همراه نفت از گچساران به بیدبلند بهبهان هدایت و در آنجا استفاده شود. اگر از فناوری‌های نوین استفاده شود و از سوزاندن این گازها جلوگیری کنیم، بسیاری از مشکلات محیط‌زیستی بر طرف خواهد شد.»

## وقتی که مسئولان هم اقدامات را کافی نمی‌دانند

با تمام این تفصیلات همچنان مردم خوزستان و عسلویه قربانیان اصلی آلودگی‌های نفتی هستند. موضوعی که به قدری حاد شده که هم مدیر کل محیط زیست استان بوشهر و هم فعالان زیست محیطی در این استان اقدام‌های انجام شده در زمینه کاهش اثرات آلودگی در عسلویه و مناطق همجوار منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس را کافی نمی‌دانند و معتقدند باید در این زمینه فعالیت‌ها و کارهای بسیار بیشتری صورت گیرد تا سلامت مردم ساکن و فعالان مستقر در این منطقه و ادامه حیات آب، خاک و پوشش گیاهی و جانوری آن‌هاکان پذیر شود. براساس آخرین اظهارات، عبدالرحمن مرادزاده مدیر کل کنونی حفاظت محیط زیست استان بوشهر بیان کرده که براساس مصوبه دولت روش، برنامه و میزان رفع آلودگی فلرها مشخص شده و در همین ارتباط برخی از دستگاه‌های مورد نیاز برای کاهش فلرینگ، خریداری و نصب شده اما باید این پیگیری به صورت جدی تر انجام شود.

## گزارش

طرح کلید به کلید، راهکاری برای بازسازی بافت‌های فرسوده تهران، کاهش جرم، افزایش خدمات شهری و بهبود امنیت شهروندان

## کلیدی برای نوسازی بافت فرسوده

«استان تهران با داشتن حدود ۱۴ هزار هکتار بافت ناکارآمد و فرسوده، از جمله چهار هزار هکتار در شهر تهران، رتبه نخست کشور را دارد» اینها بخش‌هایی از سخنان نحمد صادق معتمدیان، استاندار تهران است که چندی قبل در مورد وضعیت وخیم بافت‌های فرسوده پایتخت عنوان کرده بود. رقمی که می‌تواند به نوعی بیانگر عمق فاجعه‌ای باشد که می‌تواند هر لحظه این کلانشهر و مردم آن را تهدید کند. تصور کنید زلزله‌ای در تهران رخ دهد تا در عرض چند دقیقه این ۴ هزار هکتار به تلی از خاک بدل شوند و هزاران نفر زیر آوار خانه‌ها و ساختمان‌های این بخش‌ها، گیر بيفتند. قاب تصویری که حتی تصور نیز می‌تواند ترسناک باشد. شاید به همین دلایل هم باشد که چنین محلاتی حالا تبدیل به کانون‌هایی برای بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی شده‌اند. محله‌هایی مانند نرآباد در شهر ری که تا همین یکی دو سال قبل، از آنجاییکه به پاتوق زندگی انواع مجرمان و بخصوص اتباع غیرقانونی بدل شده بود، به شکل قلعه‌ای درآمده بود که کمتر غریبه‌ای جسرات حتی ورود به آن را داشت، حالا اما با اجرای طرح اخراج اتباع و بازسازی و نوسازی این محله، مردم آن نفسی توانسته‌اند بکشند و در عین حال به اذعان پلیس، آمار وقوع جرم و جنایت نیز در آن به شدت کاهش پیدا کرده است. علی‌اصغر کمالی زاده، مدیرعامل سازمان نوسازی شهر تهران در این زمینه می‌گوید: سالیانه باید سه درصد از بافت‌های فرسوده نوسازی شود که این کار انجام شده است و اامسال در سال پنجم می‌خواهیم این رقم را در قالب طرح کلید به کلید و بازآفرینی شهری، به ۴ درصد برسانیم.

وی به نمونه‌هایی از طرح‌های در دست اجرا برای احیای بافت‌های فرسوده اشاره کرده و تصریح می‌کند: مثلاً در منطقه ۱۴ فرودگاه

دوشان تپه، تالار نهاجا، قصر فیروزه و یادگان جی در حال طی فرآیندهای قانونی خود هستند تا مصوبه آن‌ها را بگیریم و بتوانیم در حوزه بافت‌های فرسوده گام‌های موثری را برای احیای آنها و تبدیل به طرح‌های خدماتی مورد نیاز شهر برداریم. همچنین فرسوده نرآباد را تخریب و نوسازی کرده‌ایم که این روند ادامه دارد. همچنین برای تشویق شهروندان به بازسازی بافت‌های فرسوده و مسکن‌های آنها طرح کلید به کلید را اجرا می‌کنیم، مثلاً در پروژه محله اسلام‌آباد در منطقه ۲ که سال‌هاست به عنوان یکی از لکه‌های فرسوده و بی‌دفاع شهری محسوب می‌شد، قرار است کلید ۱۱۰۰ مسکن ساخته شده توسط شهرداری به ازای مسکن‌های فرسوده شهروندان این محله داده شود تا به جای این بافت‌های فرسوده سرانه‌های خدماتی ایجاد شود. مثلاً قرار است اولین فرهنگسرای سالمندان به وسعت ۱۵ هزار متر در این محدوده احداث شود.

وی همچنین به ساماندهی «شن چاله‌های» منطقه ۱۸ که سال‌هاست یکی از چالش‌های تهران محسوب می‌شود اشاره کرده و اضافه می‌کند: برای شن چاله‌ها در منطقه ۱۸ نیز طرح توجیهی مناسبی در کمیسیون ماده ۵ در حال بررسی است، براساس این طرح فضاهایی که در ارتفاعات پایین قرار دارد به یک ترمینال باربری تبدیل خواهد شد و یک فضا برای ایجاد بارانداز مدرن در این محدوده احداث خواهیم کرد.

در کنار این موارد کمالی‌زاده، همچنین خبر از خروج یادگان‌های جی و دوشان تپه از تهران و تبدیل آنها به سرانه‌های مورد نیاز شهر در آینده‌ای نزدیک خبر داد.



## تهران و کوچه هایش

### دومین مدرسه تهران پس از دارالفنون

احساس نیاز به تغییر یا کاهش این خشونت و عقب‌ماندگی آموزشی، به برخی اقدامات توسعه‌محور در اوایل دوران ناصرالدین شاه انجامید و دارالفنون، در سال ۱۲۳۰ به دست امیر کبیر، صدراعظم شاه تأسیس شد. حدود ۱۰ سال بعد، کالج انگلیسی‌ها در اصفهان تأسیس شد. دو دهه بعد از دالفنون و در بیست و چهارمین سال سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، یعنی حدود سال ۱۲۵۰، یک هیئت مبلغ مذهبی کاتولیک آمریکایی به ایران آمدند. این هیئت به ریاست جیمز باست، در ساختمان اتابک واقع در خیابان لاله‌زار فعلی مستقر شد و کارش را آغاز کرد. دو سال بعد، این هیئت تصمیم گرفت دبستانی در نزدیکی دروازه قزوین تأسیس کند. این اقدام در سال ۱۲۵۲ عملی و فعالیت مدرسه با ۱۰ دانش‌آموز آغاز شد؛ مدرسه‌ای که شاید در آن زمان کسی حتی تصورش را هم نمی‌کرد

### کالج آمریکایی‌های تهران که اختیار آن از آمریکایی‌ها سلب شد

## روزگار سپری شده «دبیرستان البرز» از مدرسه ۱۰ نفره تا دانش‌آموختگان سرشناس



الهه باقری سنجری هفت صبح

اگر فکر می‌کنید دوران تحصیل دشواری را می‌گذرانید، سخت در اشتباهید. جالب است بدانید که قبل از اینکه آموزش به شیوه کنونی رایج شود، خانواده‌ها فرزندان خود را برای یادگیری خواندن و نوشتن، راهی مکتب‌خانه می‌کردند. تا اینجا همه چیز عادی به نظر می‌رسد اما ما چرا از جایی غم‌انگیز می‌شود که در مکتب‌خانه‌ها، تنبیه فیزیکی با چوب و فلک، بخشی جدایی‌ناپذیر از آموزش مکتب‌خانه‌ای در عهد قاجار بود؛ چرا که در مکتب‌خانه‌ها، فراگرفتن زبان و ادبیات فارسی با روشی غیرعلمی، فرایند آموزش را با مشکل مواجه می‌کرد و کودکان به سختی مطالب را می‌آموختند. در این شرایط، مدیران مکتب‌خانه‌ها به جای آن که روش تعلیم و تربیت خود را تغییر دهند، تصمیم به اعمال تنبیه‌های شدید گرفتند.

دستور رضا شاه، کالج البرز را ۱۰ میلیون ریال (معادل یک میلیون تومان) از آمریکایی‌ها خرید و در واقع، اختیار آن را از آنان سلب کرد. نام کالج به دبیرستان البرز تغییر یافت و پس از آن معلمان خارجی به تدریج ایران را ترک کردند. از ۱۳۱۹، پس از آن‌که آمریکایی‌ها کالج البرز را ترک کردند، ایرانی‌ها مسئول اداره آن شدند و نخستین ایرانی که به جای آقای جردن رئیس البرز شد، وحید تنکابنی بود. سپس در سال ۱۳۲۰، علی محمد پرتوی صنیع الملک به ریاست دبیرستان البرز منصوب شد و تا مرداد ۱۳۲۱ خدمت کرد. در مرداد ۱۳۲۱ حسن ذوقی رئیس دبیرستان البرز شد و در بهمن ۱۳۲۱ دکتر لطفعلی صورتگر با داشتن سمت استادی دانشگاه، ریاست البرز را عهده‌دار شد و تا دهم مرداد ۱۳۲۲ در این سمت خدمت کرد. از این تاریخ ریاست و اداره دبیرستان البرز به دکتر محمد علی مجتهدی گیلانی استاد دانشگاه واگذار شد که تا اواخر سال ۱۳۵۷ در این سمت انجام وظیفه کرد.

در سال ۱۳۳۶ با همت حسین امینی‌پور که خودش دانش‌آموختگان البرز بود، ساختمان مرکزی و ساختمان علوم که در قسمت شرقی دبیرستان قرار گرفته، با شماره ۲۰۰۰ در فهرست آثار ملی ثبت شدند



### اینجا جاییست



مستر وارد بر عهده داشت. با تأسیس این مدرسه که شباهن روزی اداره می‌شد، دانش‌آموزان از مدرسه دروازه قزوین به آن انتقال یافته و به تدریج با رونق آن، دانش‌آموزان مسلمان نیز به مدرسه راه یافتند.

### آغاز پیدایش «البرز کنونی»

پس از ۱۵ سال، هیئت آمریکایی اراضی بیرون دروازه یوسف‌آباد، یعنی حیاط چهارراه کالج را به مساحت ۱۵۰۰ ذرع مربع خریداری کرد. این زمین‌ها به دست خواهر میرزا حسن خان مستوفی (همان نخست‌وزیر قاجاری) و شوهرش جلال‌الدوله، در بانک شاهی به گرو گذاشته شده بود. سال ۱۳۰۳ هجری شمسی شخصی به نام رولستون آمریکایی هزینه ساخت دبیرستان را پرداخت و مارکوف معمار مشهور لهستانی‌ال‌اصل روس، کار ساختمان آن را با الهام از بناهای ایرانی و اسلامی همراه با معماران مسلمان در عرض یک سال به پایان

بعد از انقلاب و کنار گذاشته شدن علی مجتهدی، دبیرستان البرز رو به افول رفت. به دنبال این افول، در سال ۱۳۶۴، دو ساختمان سفید و شباهن روزی و حیاط‌های آن‌ها، واگذار و از مجموعه البرز جدا شد. البرز دوباره در دهه ۷۰ خورشیدی، اوج گرفت. در این دوره، مدیریت آن را باقر ذوقلیان بر عهده داشت و دانش‌آموزان را به موفقیت‌های بسیاری در آزمون سراسری دانشگاه‌ها، جشنواره‌ها و المپیادهای علمی رسانده بود

## والیبال به سبک حماسه‌ملبورن و فوتبالی صعود کرد

**پیاتزا به شاگرد دانش: سخت است اما خودتان یک راه حل برای برد پیدا کنید!**

نتیجه به ۲۱ بر ۲۱ برسد، در پایان ست، با اینکه ایران ۲۴ بر ۲۳ جلو بود، صربستان ۲۴ بر ۲۴ کرد و سپس با دوبرویس عالی پیروز شد.

ملی‌پوشان کشورمان در ست پنجم هم با قدرت ظاهر شده و توانستند با نتیجه ۱۵ بر ۹ به پیروزی رسیده

و این مسابقه را نیز با برتری ۲ بر ۲ به پایان برسانند. ووریچ ستاره تیم صربستان با کسب ۲۷ امتیاز، عنوان امتیازآورترین بازیکن این دیدار را به دست آورد و در تیم ایران نیز علی حاجی‌پور و مرتضی شریفی با کسب ۲۳ پوئن، بهترین بازیکنان والیبال کشورمان بودند اما...

آنچه این مطلب را به درازا می‌کشاند شباهت کوچ روبرتو پیاتزا با والدیر ویرا سرمربی اسبق تیم ملی فوتبال ایران در بازی حماسی با استرالیاست!

لطفاً تعجب نکنید! هشت‌م آذر سال ۱۳۷۶ روزی صدایش روی آنتن تلویزیون به وضوح شنیده می‌شد که تیم ملی ایران با تساوی دراماتیک ۲ بر ۲ و به خاطر گل زده بیشتر در زمین حریف، مقابل استرالیا پس از بیست سال به جام جهانی رسید. والدیر ویرا برزیلی در آن شب تاریخی سر مربی تیم ملی بود و گرچه فرصت حضور در جام جهانی به همراه ایران را پیدا نکرد اما به خاطر نقش آفرینی در آن شب بزرگ نامش در فوتبال ایران جاودانه شد.

او بین دونیمه با بازیکنان تیم ملی ایران گفت: «نگران استرالیا نباشید. بروید در زمین و هر جور دوست دارید بازی کنید و لذت ببرید!»



تیم ملی والیبال ایران که تحت هدایت روبرتو پیاتزا هدایت می‌شود توانست در یک مسابقه مهیج و سنگین برابر تیم ملی صربستان به برتری ۳ بر ۲ رسیده و به مر حله یک چهارم نهایی مسابقات قهرمانی جهان صعود کند.

در این دیدار سخت و نفسگیر تیم ملی صربستان ست‌های اول و سوم را به ترتیب با نتایج ۲۵ بر ۲۳ و ۲۶ بر ۲۴ به پیروزی رسیده اما ست سوم را با نتیجه ۱۹-۲۵ به ایران واگذار کرده بود.

در ست سوم، صربستان ابتدا ۲ بر صفر پیش افتاد اما ایران با درخشش حضرت‌پور به بازی برگشت و ۷ بر ۵ جلوافتاد. سپس اشتباهات بازیکنان ایران باعث شد صربستان ۹ بر ۷ پیش بیفتد و اینجا روبرتو پیاتزا درخواست وقت استراحت کرد.

جالب آن که سرمربی ایتالیایی در حالی که صدایش روی آنتن تلویزیون به وضوح شنیده می‌شد رو به شاگرد دانش گفت: «خودتان داخل زمین یک راه حل برای شکست دادن و امتیاز گرفتن از صربستان پیدا کنید! می‌دانم کار سختی است اما تلاش کنید

راهکار مناسبی پیدا کنید و...»

بعد از وقت استراحت و این صحبت‌های سرمربی ایتالیایی، نتیجه ۱۰ بر ۷ شد. شریفی اختلاف را به ۱ یک رساند (۱۱ بر ۱۰) و پس از وقت استراحت صربستان، با درخشش میران کویونزیچ و اشتباهات ایران نتیجه ۱۹ بر ۱۵ شد. بعد از وقت استراحت ایران، بازی ۲۰ بر ۱۵ شد اما دفاع خوب ایران باعث شد

### رخداد

اشک‌هایی که بعد از هر شکست می‌ریزیم، همان عرق‌هایی است که برای پیروزی نریخته‌ایم! در دناک است چون هادی همکار من است! اما از سوی دیگر باید توجه کرد که هادی مربی تیم است. ما به‌عنوان مربی یا سرمربی باید قوی‌تر از این باشیم. باید ناراحت باشیم و افسوس هم بخوریم اما باید بتوانیم بازیکنان مان را برگردانیم.



#### ❖ درس اول: اسطوره‌ها هم اشتباه کنند، عذرخواهی می‌کنند

معمولاً اسطوره‌های ورزش و فوتبال آنقدر خود را برتر و بالاتر از دیگران می‌دانند که کمتر پیش آمده عذرخواهی کنند. محرم نویدکیا اما ثابت کرد اسطوره‌ها مثل همه مردم عادی می‌توانند اشتباه کنند اما باید عذرخواهی کنند. سرمربی سپاهان اصفهان پس از مسابقه با تراکتور گفته بود: «هفته گذشته اینجا جلوی پرسپولیس باختم اما مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره پای‌شان را در رختکن نگذاشتند. روزی که می‌بریم احتیاجی به حضور و دست زدن ندارم. در روزهای سخت باید به رختکن بیایید و فقط به بازیکنان خسته ناشید بگویید. از امروز به بعد مدیران باشگاه به هیچ وجه قبل و بعد از مسابقه با هر نتیجه‌ای پای‌شان را در رختکن من نگذارند.» محرم نویدکیا دوشنبه شب در گفت‌وگوی تلفنی با محمدحسین میثاقی در برنامه فوتبال‌ترسر عنوان کرد: «بحث هیئت مدیره نبود. ادبیات من جالب نبود و در آخر کار اشتباه از من بود و شکل خوبی نداشت که بگویم به رختکن بیایند یا نه. بالاخره آنها رئیس هستند و حق دارند در رختکن‌شان بیایند. این را باید به شکل یک گله ساده می‌گفتم. در فشار آن حرف‌ها را زدم که فکر می‌کنم کار قشنگی نبود.»

#### ❖ درس دوم: قهرمانی‌های گذشته منت ندارد، تاریخ مصرف دارد

اصلاً فکر ادواج با او به ذهنم خطور نکرده بود چون فرزین از من بیست سالال کوچک‌تر بود و من نمی‌توانستم تصور کنم که همسر مردی شوم که از خودم کوچک‌تر است تا اینکه یک روز فرزین به من گفت می‌خواهد با من راجع به موضوعی حرف بزند. من نگران شدم که مبادا از کار کردن با ماشین‌پشیمان شده‌باشد و او که متوجه اضطراب من شد یک راست رفت سر اصل مطلب و گفت موضوع به کار ربطی ندارد و می‌خواهم در مورد خودت حرف بزنم. بعد با هم قرار گذاشتیم و فرزین گفت به من علاقه پیدا کرده است. من خیلی شوکه شدم اما فرزین گفت سن و سال اهمیتی ندارد و حالا که هر دویمان تنها هستیم می‌توانیم کنار همدیگر زندگی کنیم. من از او مهلت خواستم که فکر کنم. راستش هضم این موضوع برایم راحت نبود اما از طرفی واقعا از تنهایی خسته شده بودم برای همین به او جواب مثبت دادم و با هم از ادواج کریم.بعد هم زندگی مشترکمان را در خانه من شروع کردیم.»

فریده راجع به اختلافات زن و شوهری‌شان گفت: «فرزین مرد بددلی بود. این را از همان روزهای اول فهمیدم اما می‌خندیدم و می‌گفتم مگر من جوان چهارده ساله‌ام که روی من حساسی. اما یک بار حسایی به او برخورد و گفت با زدن این حرف احساس می‌کنم من را تمسخر می‌کنی. من هم سعی کردم ناراحتی‌اش را درک کنم. اما او دست بردار نبود و بابت هر تماس تلفنی یا هر رفت و آمدی من را استنطاق می‌کرد. از این سوال و جواب‌ها خسته شده بودم. حتی چند بار وقتی اعتراض کردم جر و بحثمان بالا گرفت و فرزین صدایش را بالا برد. من از او خواهش می‌کردم آرام باشد چون سال‌ها در آن خانه با آرامش زندگی کرده بودم و نمی‌خواستم همسایه‌ها صدایمان را بشنوند.»

فریده در ادامه در مورد روز حادثه گفت: «آن شب وقتی فرزین آمد خانه من داشتم برای شام سالاد درست می‌کردم. وقتی در را باز کرد دید که در همان حال که کارهای آماده کردن شام را می‌کردم به پیام یکی از دوستانم هم جواب دادم. یکدفعه با عصبانیت گفت چه کسی بود که پیام داد؟ من هم که از این سوال و جواب‌های هر روزه جانم به لیم رسیده بود با ناراحتی گفتم که نباید بابت ارتباط با هر دوست از من سوال بپرسی. یکدفعه بحثمان بالا گرفت و فرزین خیلی خشمگین شد. من داشتم گریه می‌کردم که دیدم سمت من حمله کرد! باز جابم بلند شدم و با همان چاقویی که برای درست کردن سالاد دستم بود به او ضربه‌ای زدم تا به من نزدیک نشود. من نمی‌خواستم او را بکشم فقط می‌خواستم از من دور شود. حتی درست ندیدم ضربه به کدام قسمت بدنش اصابت کرد. من هیچ انگیزه‌ای برای کشتن فرزین نداشتم. او نان آور من بود.»

بعد از اینکه دفاعیات متهم تمام شد، وکیل او گفت: «پزشکی قانونی تأیید کرده که بینایی چشمشان موکلم خیلی کم است و در حالت اشکبار بعید نیست محل وارد کردن ضربه را ندیده‌باشد.» در حالی که مادر فرزین به عنوان تنها ولسی دم پرورنده برای ارائه دادخواست خود در دادگاه حاضر نبود، جلسه محاکمه برای اخذ شکایت و تجدید شد.

همسر اولم جدا شده بودم. از پدرم یک مینی بوس به من ارث رسید که دلم نمی‌خواست آن را بفروشم چون فکر می‌کردم ارزش پولم کم می‌شود. از طرفی منبع درآمدی نداشتم و با خودم فکر کرده بودم که هر طور شده از طریق مینی بوس به درآمد برسم و نان در بیاورم.»

متهم در ادامه گفت: «به هیچ وجه نمی‌توانستم فکر رانندگی پشت مینی بوس را به سرم راه دهم چون من مشکل بینایی داشتم و حتی از گواهینامه پایه دو خود نیز استفاده نمی‌کردم. برای همین به دوست و آشنا و هرکسی به ذهنم می‌رسید سفارش کردم که یک راننده جویای کار به من معرفی کنند تا روی خودرو کار کنند و حقوق بگیرد. آن وقت خودم هم می‌توانستم از درآمد کارکرد ماشین زندگی‌ام را بگذرانم. مدتی در این فکر بودم تا اینکه بالاخره یک روز یکی از دوستانم با من تماس گرفت و گفت یکی از آشناهای فامیل شوهرش به نام فرزین قبول کرده که با مینی بوس من کار کند. من هم استقبال کردم که با فرزین قرار بگذارم و راجع به کار حرف بزنیم.»

فریده در ادامه گفت: «بالاخره من و فرزین به توافق رسیدیم و او شروع به کار کرد. گهگاهی راجع به مخارج و هزینه‌های ماشین به من زنگ می‌زد و من هم سر هر ماه به او حقوق می‌دادم. در این مدت



«واقعیت فوتبال همین است. اگر فکر کنیم من روزی فوتبالیست سپاهان بودم و ۹ جام با این باشگاه آوردم و فلان افتخار را کسب کردم، تاریخ مصرف سه، چهار هفته‌ای دارد. فوتبال الان به‌روز است و هر کسی بتواند نتایج بهتری بگیرد، سر کار می‌ماند. من هم اگر ببینم نتوانم شرایط لازم را فراهم کنم، مسلماً خواهم رفت.»

# پای کلاس درس نویدکیا

**طعنه معنی‌دار به سیاوش اکبرپور و انتقاد از هادی عقیلی!**

| مرتضی کلیلی<br>هفت صبح                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                                               |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| <div>دوشنبه شب گذشته محرم نویدکیا سر مربی تیم سپاهان اصفهان مهمان تلفنی برنامه فوتبال‌تر بود. اسطوره سپاهان و فوتبال اصفهان، دقایق نسبیتا کوتاهی روی خط این برنامه آمد اما حرف‌هایی زد که ساعت‌ها می‌توان درباره آن به بحث و تبادل نظر پرداخت. صحبت‌های عمیق و پرمغز محرم نویدکیا سه درس مهم برای سرمربیان، مربیان، بازیکنان و حتی هواداران و پیشکسوتان در برداشت که در زیر می‌توانید بخوانید:</div> |

#### حوادث

**متهم در دادگاه ادعا کرد مشکل بینایی دارد و ندیده‌ضربه‌ای مرگبار به شوهرش وارد کرده است**

## سالاد خونین در شام آخر

| فاطمه شیخ‌علیزاده<br>دبیر حوادث |
|---------------------------------|
|                                 |

فریده بالای سر پیکر نیمه‌جان شوهرش ایستاده بود و چاقوی خونین در دستش می‌لرزید. پاهایش سست شده بود و حتی توان پاک کردن اشک‌هایش را هم نداشت. یکدفعه به خودش آمد و از ترس جان فرزین شروع کرد به جیغ کشیدن. فریاد کمک‌خواهی او در راه‌پله‌های آپارتمان مسکونی‌شان واقع در میدان هروی پیچید و همسایه‌ها سراسیمه برای کمک کردن به او سرسیدند. قصه ناگفته پیدا بود؛ چاقوی خونین در دست فریده ۶۰ ساله و شوهرش زخمی و خون‌آلود کف هال خانه.

#### ❖ بازداشت یک زن

رسیدگی به موضوع قتل فرزین با اعلام از سوی کادر درمان یکی از بیمارستان‌های تهران در دستور کار تیم جنایی و کارآگاهان پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران بعد از دریافت گزارش قتل فوراً بالای سر جسد فرزین در سردخانه بیمارستان حاضر شدند.

مشاهدات ابتدایی حکایت از آن داشت که فرزین با اصابت ضربه چاقو به قتل رسیده بود.

در حالی که تحقیقات ابتدایی حکایت از درگیری خانوادگی منجر به قتل داشت، نوک پیکان اتهام سمت همسر مقتول چرخید و او بازداشت شد.

#### ❖ اعترافات اولیه

متهم در همان برخورد ابتدایی با مأموران پلیس به وارد کردن ضربه مرگبار به شوهر خود اقرار کرد و گفت: «من و همسر در شب حادثه با یکدیگر بحثمان شد در همان حال من یک چاقو دستم بود و وقتی فرزین به سمت من حمله‌ور شد برای اینکه به من نزدیک نشود و آسیبی نبینم چاقو را به او زدم تا دور شود. یکدفعه دیدم شوهرم نقش زمین شد. من خیلی شوکه شده بودم و وقتی دیدم خون از بدنش بیرون زد وحشت کردم. همان موقع بود که درخواست کمک کردم و خیلی سریع همسر به بیمارستان منتقل شد اما دیگر فایده‌ای نداشت.»

با اقرار صریح متهم و بعد از طی روال قانونی و تکمیل تحقیقات، با صدور کیفرخواست از دادسرای جنایی تهران، پرونده برای رسیدگی به شعبه هفتم دادگاه کیفری ارجاع شد و متهم پای میز محاکمه رفت.

#### ❖ در دادگاه

در ابتدای جلسه رسیدگی نماینده دادستان کیفرخواست صادر شده از سوی دادسرا را قرائت کرد. سپس فریده در جایگاه دفاع ایستاد و در دفاع از خود به شرح زندگی مشترکشان با فرزین پرداخت و گفت: «چند سال قبل بود که پدرم به رحمت خدا رفت و قبل از آن از

## سرقت یک میلیاردی عروس خانم کینه‌توز



در یکی از پرونده‌های جنجالی پلیس پایتخت، پرده از سرقتی برداشته شد که عامل آن نه یک غریبه یا باند حرفه‌ای، بلکه عضوی از همان خانواده قربانیان بود. زنی جوان که در نقش عروس خانه، اعتماد نزدیک‌ترین افراد به خود را داشت، به دلیل اختلافات خانوادگی دست به سرقت میلیاردی از خانه همسرش زد.

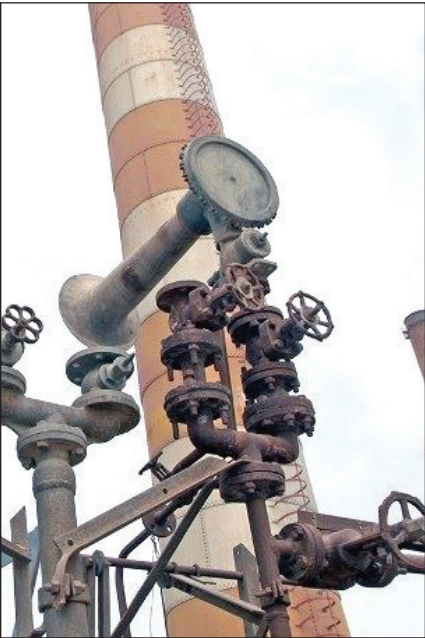
ماجرای زمانی آغاز شد که یکی از شهروندان به کلانتری ۱۵۵ نعمت‌آباد مراجعه کرد و با نگرانی از سرقت طلا و جواهرات گران قیمت خانواده‌اش خبر داد. مأموران پس از ثبت اظهارات شاکي، تیم ویژه‌ای را برای بررسی این پرونده تشکیل دادند. ارزش اموال سرقت‌شده بنا به گفته شاکي، حدود یک میلیارد تومان برآورد می‌شد؛ رقمی سنگین که نشان می‌داد سارق نه تنها از اوضاع داخلی خانه مطلع بوده، بلکه با دقت و آگاهی نقشه سرقت را طراحی کرده است.

سرهنگ سید امین موسوی پور، سرکلانتر دهم پلیس پیشگیری تهران بزرگ، در توضیح روند تحقیقات گفت: «کار آگاهان در نخستین گام به بررسی محیط زندگی خانواده پرداختند و مشخص شد هیچ‌گونه نشانه‌ای از ورود غیرمجاز یا تخریب در هسا و پنجره‌ها وجود ندارد. همین سرنخ کافی بود تا فرضیه دست داشتن یکی از افراد نزدیک خانواده در سرقت قوت بگیرد.»

بررسی‌های پلیسی در نهایت به عروس خانواده رسید؛ زنی جوان که در بازجویی‌های اولیه سعی داشت خود را بی‌اطلاع نشان دهد، اما شواهد و تناقض‌گویی‌های او مأموران را متقاعد کرد تا تحقیقات را دقیق‌تر ادامه دهند. سرانجام فشار بازجویی‌ها باعث شد که وی لب به اعتراف بگشاید و سرقت را گردن بگیرد.

به گفته این مقام انتظامی، متهم انگیزه خود را اختلافات خانوادگی عنوان کرده است. او در اظهاراتش مدعی شد که با راز احساس کرده در این خانواده مسود بی‌مهری قرار گرفته و تصمیم گرفته با سرقت طلاها دست به نوعی انتقام گیری بزند. پلیس در ادامه با انجام بازرسی موفق شد بخش عمده‌ای از اموال مسروقه شامل طلا و جواهرات را کشف و

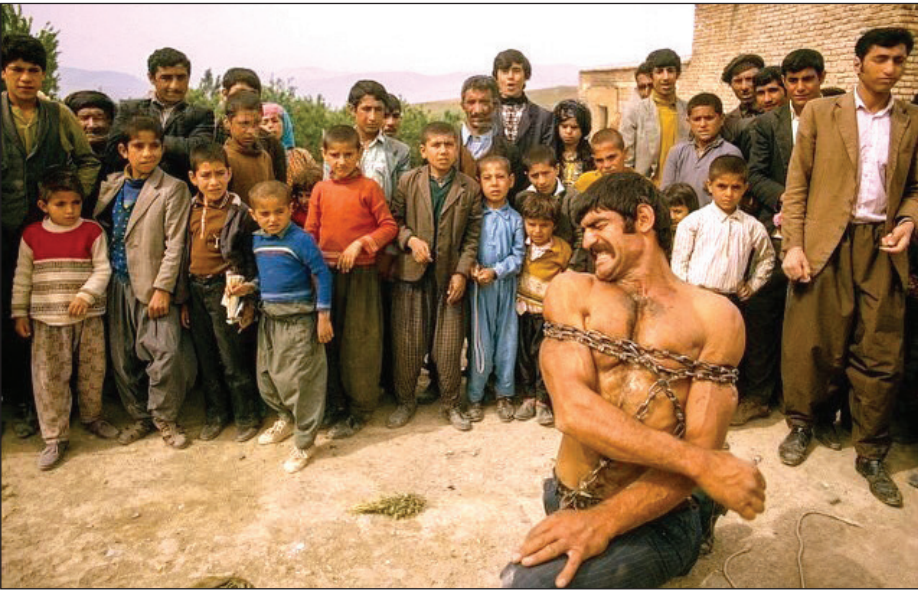
عمل شود.»



**باب نوستاز (۱)**  
 بنیادین: صدایی آشنا که آهسته آهسته از تنها کارکنان شرکتفت با آن خاطره دارند؛ از یادبودن؛ موسیقی شهری که گذشته‌اش رنگ و بوی آینده را درآدمه مناسب است. مهر سالگرد کنسکت سر پروازبان در یک مطلب فصلی یک خاطره‌های با (آبادان) است. کتیم. علی‌الصلاب این خواهم شاربایا که اولاد دلشینی مثل می همیون (ناربان) آشنا کنتم. کوکاه و عاموها و خالوها رابه گذشته بیرم. می خواهم از فیدوس بنویسم؛ فیدوس از فیدوس در شهرهای فانی صدای آشنا بود که نه تنها کارکنان گفت که همه اهالی آن را شنیدند. زمان شاشیندن صدای فیدوس عصرهای جلست خود را زمان همسایه به جلوی «کیم اهائی کارگری تعطیل می کردند تا با جاروی حیاط و آماده کردن استکان که بار یک کاس خوشبوی میوه‌ش رشن. پذیرای همسران خود باشند... اما اینکه کتیم فیدوس چیست؟ «فیدوس» نام یک زن بلند است. مانند خیزران. آتیمه بسیار بی‌بوی و تر و خمیغ و ترن برای انتقال. از روزخانه‌ها به زمین‌های کشاورزی هفتاتان درهستان. داودن استفاده قرا می گرفت. ولی فیدوس کاربرد دیگری غیر از آبیاری پیدا نکرد. سطح داخلی ن فیدوس بر خلاف ظاهرش، بسیار صاف و مینعلی. ولی اگر کاربرد فیدوس، استفاده از آن به عنوان شیپور بود. انگلیسی‌ها هم کتیم که از اهالی‌ها رفتند و از آن فاقوت (Fagott) را ساختند که به نوعی شیپور هم اطلاق می‌شود. این سوت بزرگ هیچ ربطی به فیدوس باستانی هندیان نداشت. جنس فیدوس از چوب بود در حالیکه کتیم با آلیاژهای فلز بود. فیدوس هندی با تیری با کار می‌کرد، در حالیکه فیدوس آلیاژهای فشار باغز با آستیم به قول خود انگلیسی‌ها بود. یادمانی‌ها صدایش گرمی آمد. صدای فیدوس رنگ پذیرباش را و اعلام وقت کار بود. صبح‌ها از ساعت ۷ صاع تا ۱۲ صاع شروع را از آلیاژهای صاع فیدوس سوت به فضای محله‌های کارگری همجوار با ناسیاست طنین انداز می‌شد. بار نخست ۳ سوت پایایی: «فوقاب از آلیاژ کارکنان گران روی تان شاشیندن آسوت پایایی در نوبت دوم صبحگاهی به کار خود روند و کت سوت نوبت سوم صبحگاهی آویز بود که هیچ کارگری دوست نداشت پشت دروازه آلیاژهای آن بشنود؛ زیرا در این صورت آن روز از کار محروم می‌شد. صدای فیدوس در سوت بسیار از آبادانی‌ها هنوز رنگ می‌زند. خاطره‌ها گاه داستان می‌شود. محله‌ها جان می‌گیرد. به‌مانطور که از یوزپار در کت پذیرا چراغ را نه خاموش می‌کنم» می‌نویسد. بریم و بواره، محله‌های کارمندی و کارگری که انگلیسی‌ها با تفکر و شتاب‌شان ساخته. محله‌های نندی‌های منظم و منسجم دران. باشگاه، سینما و نام امکانات رفاهی را اینجا با هم دارد.



۲ قاب نوستالژی  
در غرب ایران - سال ۱۳۵۳  
از آرشیو نشنال جئوگرافی



## قاب مشاہیر ۱

اولین باری که اشرف پهلوی قزاق را دید، ز شاه‌نامه‌ی بود در دوران سلطنت خود اقدامات زیادی برای بالا بردن سطح رفاه مردم انجام داده. این ادعاها در حالی مطرح می‌شد که بسیاری از مردم گروه‌های اجتماعی چون سطوح متوسط از بسیاری از امکانات اولیه محروم بودند. شاهد این ادعا هم فردی به‌نیست: کتاب خاطرات اشرف را بخوانید: «برای بسیاری از مردم ما این امکان وجود نداشت که روی آبی خود باشند تا چه رسد به اینکه ولو بخواهند از خوشاوندان خود نیز نگهداری کنند. نخستین باری که به محله‌ای کثیف و فقیرنشین تهران رفتم به پا چشم خود ببینم چه نوع کمکی می‌تواند نیاز آگاهی به راستی هر مرد شدم. من همیشه می‌دانستم که مردم هستند که خوشبختی‌مان دارند، مگر این که به محل راحتی برای زندگی ندارند. این‌ها می‌گویند: «ای خداوند و تو ای خورشید ما را روشن کن» اما هرگز به چشم خود اینگونه فقر عوامی را نمی‌بینم و نمی‌فهمم چرا برای سنجاسی در انسان به وجود می‌آورد ندیده بودم. هرگز این همه انسان را ندیده بودم که در محله‌ای به آن کوچکی کنار هم بولند و امکانات بسیار محدودی برای تغذیه، پوشش یا امرار معاش خود را اختیار نداشتند. شنیدم که با پیچید به دهستان‌های دور دست رفتم، دریافت که شرایط زندگی در این مناطق هم بهتر از این محلات فقیرنشین‌ها نیست. در آن دهات خیلی‌ها بود که تمام افراد خانواده با محصول یک درخت خرما یا برنج یکی دو نفر به‌زیف زندگی می‌کنند. این مردمی که در بدترین شرایط، بخور و نمیر می‌زیستند هیچ وسیله‌ای برای مبارزه با بلاهای طبیعی مانند بیماری‌های واگیر دار، زمین‌لرزه یا خشکسالی نداشتند. در این دهات وقتی مردم درباره گذشته صحبت می‌کردند بسیار عادی به «در سال قطعی» یا «سالی که آمده بود» اشاره می‌کردند...»

منبع: اشرف پهلوی، من و برادرم (خاطرات اشرف پهلوی با مقدمه‌ای از محمد طلوعی)



## قاب مشاہیر ۲

باب آسیا فقط خودت؛ باقی  
شمارا درمی آورند؛ پرواز  
حمدرضا عابدزاده و اولیور  
هوف در بازی ایران و آلمان  
در جام جهانی فرانسه  
سال ۱۳۷۷ (گتی ایمیجز)



## جدول و سرگرمی

[illegible]

|   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| Y | F | 5 | 9 | 3 | 1 | Y | 7 | A | 9 | F | 7 | 9 | 5 | 9 | A | F | 1 | 3 | Y |
| 9 | 3 | 1 | Y | 7 | 5 | 9 | F | 7 | 5 | 1 | 3 | Y | A | 9 | F | 7 | 5 | 9 | A |
| 5 | A | 7 | 3 | Y | 1 | Y | 7 | 9 | F |   |   |   | 9 | 5 | 7 | 9 | F | 7 | 5 |
| 9 | F | 7 | 5 | A | 9 | 3 | Y | 7 | 5 |   |   |   | 3 | Y | 1 | Y | 7 | 5 | 9 |
| 6 | 1 | 9 | 3 | Y | 7 | 5 | A | 9 | F |   |   |   | A | F | 7 | 5 | 9 | 3 | Y |
| A | 5 | 7 | 3 | Y | 7 | 5 | 9 | F | 1 |   |   |   | 6 | 9 | F | 7 | 5 | A | 9 |
| 1 | 3 | Y | 7 | 5 | A | 9 | F | 7 | 5 |   |   |   | 5 | A | 1 | F | 7 | 5 | 9 |
| Y | 9 | F | 7 | 5 | A | 9 | F | 7 | 5 |   |   |   | Y | 7 | 5 | A | 9 | F | 7 |

|   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ت | خ | ق | ث | ج | ح | ط | ظ | ع | غ | ف | ق | ك | گ | ن | ا | د | ن | ی | ت |
| ی | ن | ا | د | ن | ی | ت | ك | گ | ن | ا | د | ن | ی | ت | ك | گ | ن | ا | د |
| ك | گ | ن | ا | د | ن | ی | ت | ك | گ | ن | ا | د | ن | ی | ت | ك | گ | ن | ا |
| ج | و | ك | ت | ا | ج | و | ك | ت | ا | ج | و | ك | ت | ا | ج | و | ك | ت | ا |
| ا | ه | م | ا | ا | ا | ه | م | ا | ا | ا | ه | م | ا | ا | ا | ه | م | ا | ا |
| ش | و | ب | د | و | ش | و | ب | د | و | ش | و | ب | د | و | ش | و | ب | د | و |
| ب | ف | ا | ر | ی | ب | ف | ا | ر | ی | ب | ف | ا | ر | ی | ب | ف | ا | ر | ی |
| چ | ی | ر | ه | پ | چ | ی | ر | ه | پ | چ | ی | ر | ه | پ | چ | ی | ر | ه | پ |
| ا | د | ن | ی | س | ا | د | ن | ی | س | ا | د | ن | ی | س | ا | د | ن | ی | س |
| پ | ن | و | ن | ی | پ | ن | و | ن | ی | پ | ن | و | ن | ی | پ | ن | و | ن | ی |
| ا | ا | د | ا | ن | ا | ا | د | ا | ن | ا | ا | د | ا | ن | ا | ا | د | ا | ن |
| خ | ا | ن | ی | ل | خ | ا | ن | ی | ل | خ | ا | ن | ی | ل | خ | ا | ن | ی | ل |
| ر | س | ی | د | ت | ر | س | ی | د | ت | ر | س | ی | د | ت | ر | س | ی | د | ت |
| ف | ل | و | ر | ی | ف | ل | و | ر | ی | ف | ل | و | ر | ی | ف | ل | و | ر | ی |
| ن | م | و | د | ا | ن | م | و | د | ا | ن | م | و | د | ا | ن | م | و | د | ا |

|   |   |   |    |    |    |   |   |   |   |   |   |   |   |   |
|---|---|---|----|----|----|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| ۵ | ۴ | ۳ | ۱۲ | ۱۱ | ۱۰ | ۹ | ۸ | ۷ | ۶ | ۵ | ۴ | ۳ | ۲ | ۱ |
| م | ر | ب | ه  | ش  | چ  | س | پ | ه | ا | ت | ر | ی | ا | ر |
| ح | س | ط | ی  | ا  | ک  | ت | ا | ک | ر | ک | ر | ی | س | ی |
| س | ر | س | ر  | س  | ف  | ه | ر | م | ر | ت | م | ی | ک | ت |
| ا | م | ا | ه  | ی  | ا  | ض | ا | م | چ | ا | چ | ا | ق | ا |
| ا | م | ق | ر  | ا  | ی  | ا | م | س | ا | پ | ا | ا | ا | ا |
| ت | ا | ب | ا  | ی  | ا  | م | ا | ی | ک | ا | ی | ل | م | ا |
| ک | ی | ا | ل  | ک  | ا  | ن | ر | ن | ر | و | ر | ن | ت | ن |
| س | د | س | ل  | ل  | خ  | م | س | م | س | د | ل | د | ل | د |
| س | ت | ا | خ  | ف  | ا  | ص | س | ف | ک | س | ف | ر | و | ر |
| ر | ت | ی | ا  | و  | ش  | و | ه | ن | ک | ل | ا | و | ک | ل |
| و | ت | ف | ا  | ن  | ر  | م | ل | ر | ق | ه | ا | ح | ا | ا |
| ر | ج | ر | ی  | ت  | ش  | ت | ک | ب | ف | ن | د | ن | ا | ن |
| ی | ن | ا | چ  | ا  | ج  | ش | ر | گ | ر | ب | س | ا | د | ف |
| ا | س | ا | ل  | ا  | ق  | ا | ر | ا | ر | ی | س | ا | د | ا |
| س | ت | ک | د  | ب  | چ  | ا | ر | ر | ن | ش | ی | ز | ر | ی |

**توضیح:** کلماتی که بر اساس تعداد حرف دسته‌بندی شده‌اند باید در جای مناسب خود در جدول قرار گیرند. شما باید با توجه به راهنمای جدول که برایتان قرار داده‌ایم؛ جای لغات را حدس بزنید و در جدول جا بگذارید.

| ۴ حرفی: | ۵ حرفی: | ۷ حرفی: |
|---------|---------|---------|
| آزاد    | اقتضا   | متوحش   |
| پسته    | پرتره   | مدد جو  |
| دریغ    | تنبوش   | معمور   |
| راسخ    | دکلمه   | یافتن   |
| کیود    | زاپاس   | ۶ حرفی: |
| نسخه    | سیمیا   | تواریخ  |
| هاشم    | فرنگی   | دهقانی  |
| یوگا    | قنداقی  | غم‌گینی |
|         | کدیور   | کشیدگی  |

سودو کو

سودوکوی سامورایی با نام سودوکوی ۵ تایی، ۵ قلو یا تو در تو نیز شناخته می شود. ترکیبات دو تایی و سه تایی از این نوع سودوکو نیز مرسوم است اما نوع ۵ در ۵ آن دارای جذابیت بیشتری

در این نوع سودوکو یک مربع ۹ در ۹ در وسط قرار دارد و با چهار مربع ۹ در ۹ دیگر در

هر جدول سودوکو دارای اعداد اولیه مربوط به خود است اما نکته اصلی اینجاست که هیچ یک از جدول های سودوکو به تنهایی حل نمی شوند.

برای حل سودوکوی سامورایی باید اعدادی را در هر جدول سودوکو بدست بیاورید، در اینصورت برخی از این اعداد با مربع میانی مشترک خواهند شد و سبب مشخص شدن اعدادی در مربع میانی می شوند، همین روند باید به طور مستمر ادامه یابد تا از هر جدول سودوکو عددی بدست آید.

🔴 قانون سودوکوی معمولی تنها راه حل سودوکوی سامورایی است. دقت کنید سودوکوی سامورایی نیز تنها دارای یک جواب منحصر به فرد است.

|   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |   |  |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|--|
|   | 3 |   | 1 |   |   |   | 5 |   | 3 |   |  |
|   | 7 | 4 | 8 | 2 |   |   | 8 | 1 | 4 | 3 |  |
|   | 2 |   | 6 |   | 5 | 8 |   |   |   |   |  |
| 6 | 5 |   |   |   |   | 4 |   |   |   |   |  |
|   | 1 |   |   |   | 9 |   |   |   |   |   |  |
|   | 9 |   |   |   | 7 | 5 |   |   |   |   |  |
| 2 | 1 |   | 7 |   | 8 |   |   |   |   |   |  |
|   |   | 4 | 1 | 9 | 7 |   |   |   |   |   |  |
|   |   | 8 |   |   | 5 |   |   |   |   |   |  |

[illegible]

|                                             |                                |                        |
|---------------------------------------------|--------------------------------|------------------------|
| شهر یونانی باستانی                          | حرکت هوا                       | کشوری در آمریکای جنوبی |
| شعله ور ساختن                               | به راه راست رونده              | ایر به نرقین           |
| میلاد                                       |                                | خمیده                  |
| از حیوانات                                  |                                |                        |
|                                             | حق ناحق، سازبان ملای           |                        |
|                                             | نموتک                          |                        |
| پنیمایی                                     |                                | حرف ندا                |
| القای موسیقی                                | ضمیر سوم شخص منفرد سخت و دشوار | سخن شنیده را باز گفتن  |
|                                             |                                | تقاشی روی شیشه         |
| برنده جایزه                                 |                                |                        |
| عمل سوخته شدن                               |                                |                        |
|                                             |                                | زهد ترسایان            |
|                                             | خطی در دایره                   |                        |
|                                             | دفعه دوم                       |                        |
| بی سواد قدیمی                               | بابوی اداره کننده              |                        |
| میان تهی                                    | از کار افتاده و فواصه          |                        |
|                                             | بخشنده                         |                        |
|                                             | شاعر نیشابوری                  |                        |
| استخوان پاشنه یا استخوان شوی در استان سمنان |                                | حرف انتخاب             |
|                                             |                                | پسوند دارندگی          |
|                                             |                                | مره خرما لو            |
| از مرکیات                                   |                                |                        |
| باهر و اساد                                 |                                |                        |
|                                             |                                |                        |

لغت یابی

## جدول شرح درمتمن

## جدول کلمات متقاطع

[illegible]

بودی

- ۱- نادر- زیارتگاهی در حومه مشهد
- ۲- کیک معروف- صادر ترکی- پایتخت کشور پورتوریکو
- ۳- غرور و تکبر- نوعی قلم نقاشی- بالا آمدن آب دریا- تابع و پیرو
- ۴- قبر- پشیمانی- قدم یکپا- خدای درویش
- ۵- نوعی سردرد- پارچه مالیدنی- کلمه شگفتی
- ۶- از سرداران نامی افراسیاب- بخشیدن گشاهان
- ۷- گشوده- همسر مرد- آشفته و پریشان- از ماه‌های فصل زمستان
- ۸- پیچیدنی دکتر!- دست دوم فروش دیده
- ۹- پهلوان- نوعی آچار- از فلزات- خشکی
- ۱۰- پی‌سلسله قراقویونلو- بی‌ریا و موافق
- ۱۱- ریختن آب- پشم نرم- قربانی شدن
- ۱۲- واحد بازی تنیس- عضو صورت- بندری در اوکرین- دام صیاد
- ۱۳- قسمت جلوی زین اسب- خاندان و قوم- نوعی دروازه نام ترکی
- ۱۴- مایعی در چشم- گاز استخر- لباس بی‌آستر
- ۱۵- آلبومی از علیرضا عصار- شهری در استان لرستان

فقہی

- ۱- پایتخت جامائیکا- رنگین کمان  
۲- اشاره شده- دربند و گرفتار- واحد پول ساموآ  
۳- دست عرب- یافتنی در معدن- رهایی  
۴- روستگاری- از پوشاک زمستانی  
۵- زن زوجه مرده- سنگ شکاری-  
۶- صندلی راحتی- تکیه دادن  
۷- مخفل- خبسی- سوزی طلاق  
۸- مار افسانه‌ای- از سزایجات کوهی-  
۹- پانه آتش  
۱۰- سرود و نغمه- زن بابا  
۱۱- پیشو صوسی قابل حمل- فساد و  
۱۲- بیاهی- کلاه موتورسوار  
۱۳- دیدنی- موجودی خیالی و ترسناک  
۱۴- بدن و تن- از روزگار درمی آورند-  
۱۵- جانوری درنده و مرده خوار و قوی جثه  
۱۶- شبیه سگ  
۱۷- اسارت قدیمی ماشین- رودی در  
۱۸- ترانسه- لاشه جانور  
۱۹- از مهره‌های شطرنج- نوعی پلنگ-  
۲۰- نوآپیمای یک نفره- سال ترکی  
۲۱- رنگ طلایی- اژدهای افسانه‌ای یونان  
۲۲- کهن- سیر و سیاحت- مرجع لاستیکی  
۲۳- قوه حافظه- شبی که گذشت  
۲۴- اهنمای کردن  
۲۵- اول جوانی- دیواره موج شکن دریایی

### ۱۵- اول جوانی - دیوارہ موج شکن دریایی